

انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام عدد (۱۶۴)

رجعت

سومین روز

از روزهای بزرگ خدا

پاسخ‌های سید احمد الحسن علیه السلام

تنظیم: علاء السالم

چاپ اول

۱۴۳۴ هـ.ق - ۲۰۱۳ م

مهر ماه ۱۳۹۲ هجری شمسی

جهت اطلاعات بیشتر در مورد دعوت مبارک سید احمد الحسن عليه السلام

لطفاً از وبسایت ما بازدید فرمایید:

<http://almahdyoon.co>

<http://almahdyoon.co/ir>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليما

زمینه سازی...

سید احمد الحسن علیه السلام در بیان رجعت فرمودند: (رجعت، نامش دال بر آن است خدا به تو توفیق دهد، آن رجعت است به معنای بازگشت، قومی که مُردند باز می گردند، امتحانی که به پایان رسید تکرار می شود، روزهایی که گذشتند باز خواهند گشت).

شکی نیست که سخن در باب رجعت و بیان ویژگی هایش و آنچه که با آن در ارتباط است، از بزرگترین امور می باشند که پاسخ گویی به آن تنها در وسع و توان خلفای الهی بطور تمام و کمال می باشد، همانطور که از ویژگی های بارز آنان، پاسخ گویی به امور عظیم مرتبط به دین و عوالم خلقت است.

و بر این اساس روایت شده است که تبیان کننده آنها، قائم علیه السلام می باشد. زراره گوید: (از ابا عبد الله علیه السلام در مورد این امور عظیم از رجعت و مشابه آن، پرسیدم. حضرت فرمود: آن چیزی که درباره آن می پرسید، هنوز زمانش فرا نرسیده است و خداوند عز و جل می فرماید: ﴿بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ﴾^(۱) (بلکه چیزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نداشتند)).^(۲)

و در پی این روایت از سید احمد الحسن علیه السلام پرسیده شد: آیا بیان آن تنها مخصوص قائم علیه السلام است؟

فرمودند: (آری).

و بعد از آن، علماء می بایست تنها به گفته (نمی دانم) درباره آنچه که با رجعت در ارتباط است بسنده می کردند، اما آنان با تأسف فراوان در بیان چیزی که مختص قائم علیه السلام است، راه

۱. یونس: ۳۹.

۲. مختصر بصائر الدرجات: ص ۲۴.

نادرستی را در پیش گرفتند.

طبق کلام آل محمد (علیهم السلام)، عالم رجعت دنیایی دیگر و دارای قوانین و نظام مخصوص به خود است، و شایسته نیست - اینگونه - مفاهیم مذکور در برخی روایات رجعت را بر معانی متعارف بر این عالم جسمانی تحمیل کرده و مطابقت داد، و چه بسا بسیاری از علماء در جهل نسبت به این حقیقت، دچار بیراهه رفتن و مغالطه شده و ارزش حدیث در باب رجعت را تباه کرده اند.

بلکه بعضی از آنان به سبب جهلشان به حقیقت آن، در صدد بر آمدن تا مفهوم غلطی را در مورد رجعت اشاعه دهند و موضوع آن را دلیلی بر انکار امامت دوازده وصی از اوصیای آل محمد (مهدیین دوازده گانه (علیهم السلام) قرار دهند در حالیکه به مهدیین دوازده گانه در وصیت شب وفات رسول الله (صلی الله علیه و آله) وصیت شده است.

و بخاطر آشکار ساختن حقایق پنهان این امر عظیم، این سفر کوتاه شکل گرفته که در خود پاسخ های سید احمد الحسن (علیه السلام) به سؤالاتی در مورد عالم رجعت و امور مرتبط به آن، که بر ایشان عرضه داشته ام را دارا است، که خود دلیلی بر حقانیت و صدق ایشان می باشد. و پاسخ برخی از آنها برگرفته از کتب منتشر شده سید (علیه السلام) همچون متشابهات، توحید، جواب های روشنگرانه، و همگام با بنده صالح و برخی کتب دیگر است - و اغلب پاسخ ها - از طریق پاسخ گویی به پرسش هایی است که اخیراً بر ایشان عرضه داشتم و این مجموع شریف را در بین دستان همگان قرار می دهم.

و با وجود تمام ایمان به خداوند، از او خواستارم که گناه مرا بیامرزد و از تقصیر و کوتاهی ام به حرمت این امام مجهول القدر بگذرد و عاقبت من و تمام مؤمنین را ختم به خیر گرداند که او مهربانترین مهربانان است.

و الحمد لله رب العالمین

جمعه: ۱۳ / شوال / ۱۴۳۳ هـ. ق

۱۰ / شهریور / ۱۳۹۱ هـ. ش

علاء

رجعت چیست؟

رجعت در لغت به معنای: (رجوع و بازگشت به زندگی دنیا بعد از مرگ است).
 جوهری و فیروز آبادی می‌گویند: (فلانی به رجعت ایمان دارد، یعنی به بازگشت به زندگی دنیا بعد از مرگ).^(۳)

و اما معنا و مفهوم اصطلاحی که در صدد بیان آن هستیم عبارتند از:
 رجعت: عالم دیگر و روز دیگری از سه روز بزرگ خداست^(۴) که در پیش روی قائم و قیامت می‌باشد و دارای نظام و قوانین مخصوص به خود است همانگونه که در مضمون روایات متعدد از آل محمد (علیهم السلام)، ذکر خواهد شد.

پس بعد از اینکه روز (قائم و قیامت) را ذکر کردند، سید احمد الحسن (علیه السلام) فرمودند:
 (... روز رجعت باقی مانده و اکیداً آن عالم دیگری است و الا آن "روز" یعنی وقت و آن مستقل در برابر زندگی جسمانی و قیامت، اختصاص داده نمی‌شد، پس آن از جمله آنها نیست).
 و نیز فرمودند: (رجعت، نامش دال بر آن است خدا به تو توفیق دهد، آن رجعت است به معنای بازگشت، قومی که مُردند باز می‌گردند، امتحانی که به پایان رسید تکرار می‌شود، روزهایی که گذشتند باز خواهند گشت...).

و نیز فرمودند: (آن امتحان دیگری است و ترتیب بازگشت رجعت کنندگان در آن در دست خداوند سبحان است...).

و نیز فرمودند: (رجعت عالم دیگری است و با این عالم جسمانی متفاوت است، و در نتیجه جزئیات آن نیز با این عالم متفاوت می‌باشد).

و بر جزئیات پاسخ‌های این ولی پاکدامن از آل محمد (علیهم السلام) توقفی خواهیم کرد، اما قبل از آن به خلاصه‌ای از آنچه که علمای شیعه در مورد اهمیت رجعت بیان کرده‌اند و نزد همه آنان یا حد اقل اغلب آنان امری ثابت و مربوط به عقیده بوده، می‌پردازیم.

۳. الصحاح: ج ۳ ص ۱۲۱۶. القاموس المحیط: ج ۳ ص ۲۸.

۴. از امام صادق (علیه السلام) فرمود: (روزهای خدای عزیز و جلیل سه روزند: روزی که قائم در آن قیام کند، روز رجعت، و روز قیامت). معانی الأخبار: ص ۳۶۶.

علمای شیعه رجعت را چگونه فهمیدند؟

علمای شیعه در می‌یابند که رجعت یعنی: (بازگشت به زندگی دنیا بعد از مرگ است). شیخ مفید می‌گوید: (سخن در باب رجعت: و می‌گویم: خداوند تعالی قومی از مردگان را با چهره‌های ابتدائی‌شان که بر آن بودند به زندگی دنیا باز می‌گرداند، پس گروهی از آنان را عزیز و گروه دیگر را ذلیل می‌گرداند و اهل حق را بر اهل باطل و مظلومان را بر ظالمان چیره می‌سازد، و آن امر در هنگام قیام مهدی آل محمد (علیهم‌السلام) تحقق می‌یابد).^(۵)

و حر عاملی می‌گوید: (بدانید که رجعت در اینجا در زندگی بعد از مرگ و قبل از قیامت است، و این مفهومی است که از ظاهر معنایش برداشت می‌شود و علماء به آن تصریح کرده اند...)^(۶)

پس واضح است که آنان رجعت را مقطع زمانی و تابع این عالم جسمانی که ما در آن هستیم می‌بینند؛ و آنچه که بیشتر بر آن تأکید می‌کند ملاحظه استدلال مقام بر اثبات رجعت است، و این بیان بعضی از آن می‌باشد:

اول: گفته آنها مبنی بر اینکه رجعت نوعی از معاد جسمانی است، لذا آنان بر آن مانند دلیل بر وجود معاد در آخرت استدلال می‌کنند.

سید مرتضی در استدلال خود بر رجعت می‌گوید: (... در صحت رجعت اموات هیچ اختلافی نیست مگر اینکه خارج از گفته‌های اهل توحید باشد، زیرا خداوند تبارک و تعالی بر ایجاد جوهر بعد از فناء و نیستی اش قادر است، پس هنگامی که بر آن قادر است می‌تواند در هر زمان که بخواهد آن را ایجاد کند).^(۷)

دوم: استدلال آنها بر احیای برخی از اقوام یا افراد در امت‌های گذشته به زندگی دنیا بعد از مرگشان، و برای آن، مثال زنده شدن عَزِیر بعد از مرگش یا احیای مردگان به دست حضرت عیسی (علیه‌السلام)، یا زنده شدن اصحاب کهف یا قوم بنی اسرائیل و غیره را ذکر می‌کنند.

۵. أوائل المقالات: ص ۷۸.

۶. الايقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة: ص ۶۱.

۷. رسائل الشریف المرتضی: ج ۳ ص ۱۳۵.

شیخ مظفر می گوید: (اعتقاد به رجعت، نه عقیده توحید را خدشه دار می کند و نه عقیده نبوت را، بلکه بر صحت هر دو عقیده تأکید می کند. رجعت دلیلی بر قدرت بالغ خداوند تعالی می باشد همچون بر انگیختن و زنده کردن. و آن از جمله امور خارق العاده ای است که شایسته بودن معجزه برای پیامبران محمد و آل بیتش است، و آن عین معجزه زنده کردن مردگان توسط عیسی مسیح علیه السلام می باشد و بلکه از آن بزرگ تر است زیرا که مردگان بعد از خاکستر شدن زنده می شوند).^(۸)

و شیخ طبرسی می گوید: (اخبار و روایات بسیاری از ائمه هدایت از آل محمد علیهم السلام وجود دارند که آشکار می کنند، خداوند تبارک و تعالی در هنگام قیام قائم علیه السلام قومی از اولیاء و شیعیانش که قبل از قیام حضرتش وفات کرده اند را زنده خواهد کرد تا در ثواب نصرت و یاری اش مشارکت جسته و فیض ببرند و در پی ظهور و طلوع دولتش مسرور گردند؛ و همچنین قومی از دشمنانش باز می گردند تا از آنان انتقام گیرد و عقوبت در دنیا از قتل و کشتار و ذلت و خواری از داد و ستد و فرمانروایی که منتشر می کند بدست شیعیانش را دچار گرداند، و هیچ عاقلی شک نمی کند که این برای خدای تعالی مقدر است و در نزد خدا چیز ناممکن وجود ندارد، و آن را در امت های پیشین عملی کرده و تحقق بخشیده و قرآن کریم در برخی مواضع همچون داستان عَزِیر و غیره این امر را ذکر می کند، و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز فرمود: (در امتم همان امری خواهد بود که در بنی اسرائیل بوده است، پس پا در جای پای آنان و قدم در جای قدم آنان قرار خواهید داد حتی اگر یکی از آنان وارد سوراخی شد، شما نیز وارد آن شوید)).^(۹)

سوم: مربوط ساختن رجعت به عصر ظهور امام مهدی علیه السلام همانطور که اندکی پیش آن را از شیخ طبرسی نقل قول کردیم.

و شیخ مفید می گوید: (اخبار در ذکر نشانه های زمان قیام امام مهدی علیه السلام بیان شده اند، و حوادثی که پیش از قیام حضرتش رخ می دهند خواهند بود، و نشانه ها و علامت های آن از جمله: خروج سفیانی... تا آنجا که می گوید: و مردگان از قبورشان بر انگیخته می شوند تا به

۸. عقائد الإمامية: ص ۱۰۹.

۹. تفسیر مجمع البیان: ج ۷ ص ۳۶۶.

دنیا بازگردند و یکدیگر را در آن می‌بینند و به ملاقات یکدیگر می‌روند. تا آنجا که می‌گوید: در آن هنگام، از ظهور امام علیه السلام در مکه مطلع می‌شوند و برای نصرت و یاری اش به آنجا روانه می‌شوند.^(۱۰)

چهارم: استدلالشان به برخی از آیات خلافت و مکتت بر این زمین آن هم بعد از آسیب پذیری بر بازگشت پیامبر و ائمه به این زندگی دنیا بعد از وفاتشان. آیاتی همچون: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾، (و می‌خواهیم بر کسانی که در سرزمین فرو دست شده اند منت نهیم و آنان را پیشوایان گردانیم و ایشان را وارث کنیم).^(۱۱)

حر عاملی بعد از نقل اجماع شیعه بر رجعت و بازگشت پیامبر و ائمه در مورد آیه می‌گوید: (... و آن امر در ملاحظه ضمائر جمع در آیه و در کلام طبرسی روشن می‌شود، و از لفظ خلافت و مکتت و پایان یافتن هراس و خوف و عبادت، و آنچه که معلوم است از وجوب تحمیل بر تقیه می‌باشد، و اگر تنها به خروج مهدی علیه السلام تحمیل می‌بود لازم به حمل کلی بر استعاره و تأویل دور بدون ضرورت و قرینه می‌شد...)^(۱۲).

و خداوند می‌فرماید: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾، (خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند وعده داده است که حتماً آنان را در سرزمین جانشین قرار دهد همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید آنانند که نافرمانند).^(۱۳)

۱۰. الإرشاد شیخ مفید: ج ۲ ص ۳۷۰-۳۶۸.

۱۱. القصص: ۵.

۱۲. الايقاظ من الهجة بالبرهان على الرجعة: ص ۶۷.

۱۳. النور: ۵۵.

حر عاملی می‌گوید: (این آیه آشکارتر از آیه قبلی می‌باشد؛ زیرا بر دادن مکتب به افراد ذکر شده و تعیین آنان بعنوان پیشوایان وارث دلالت می‌کند، و مکتب دادن به آنان بر زمین و بر حذر داشتن دشمنانشان از آنها، همه اینها بعد از اینکه بر زمین مستضعف و بی مکتب بودند خواهد بود، و آیا مصداقی جز رجعت و بازگشت برای آن وجود دارد؟).^(۱۴)

آنچه که از گفته‌های علماء برای تأکید مواردی که ذکر کردیم نقل شد، کفایت می‌کند.

و آن علماء اگر رجعت و روایات آن را مبنی بر اینکه جزئی از این عالم جسمانی می‌باشد تأویل کردند، برخی دیگر روایات رجعت را اینگونه تأویل کردند که روایات رجعت بر رجوع و بازگشت افراد دلالت نمی‌کند بلکه به معنای رجوع و بازگشت دولت حق است.

سید مرتضی گفته آنان را نقل می‌کند، و می‌گوید: (اما کسانی که رجعت را در اصحابمان تأویل نمودند که معنای آن بازگشت دولت و امر و نهی بدون بازگشت افراد و زنده شدن مردگان است، همانا که قومی از شیعه وقتی که در نصرت رجعت، و بیان اذن آن و اینکه با تکلیف منافات دارد دچار عجز شدند، به اینگونه تأویل در مورد اخبار رجعت پناه بردند).^(۱۵)

بلکه برخی از آنان آن قدر دور شدند که می‌بینند رجعت برای همه بازگردانده شدگان، سرای تکلیف نیست:

علامه مجلسی می‌گوید: (... در ظاهر زمان رجعت تنها زمان تکلیف نیست، بلکه آن حدّ واسطه بین دنیا و آخرت است، برای جماعتی سرای تکلیف و برای گروهی دیگر سرای عقوبت است).^(۱۶)

این اختلاف در فهم رجعت و روایاتش می‌باشد که شیخ مفید در خصوص آن می‌گوید: (امامیه بر رجعت و بازگشت بسیاری از مردگان به دنیا قبل از روز قیامت اتفاق نظر دارند، هر چند در معنای رجعت با هم دچار اختلاف شده‌اند).^(۱۷)

۱۴. الايقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة: ص ۹۳.

۱۵. رسائل الشریف المرتضی: ج ۱ ص ۱۲۶.

۱۶. بحار الأنوار: ج ۲۵ ص ۱۰۹.

۱۷. اوائل المقالات: ص ۴۶.

و بر این اساس، در بیان اعتقاد به رجعت اختلاف یافتند:

پس بعد از اینکه شیخ صدوق (از علمای پیشین) به این گفته بسنده کرد که: (اعتقاد ما به رجعت این است که آن حق می باشد).^(۱۸)

شیخ مظفر (از علمای معاصر) معتقد است که رجعت از جمله اصول اعتقادی که مستلزم نظر هستند، نمی باشد و می گوید: (و رجعت از اصول نیست که باید به آن معتقد شد یا در آن تجدید نظر کرد، و همانا اعتقادمان به آن به دلیل آثار صحیح وارد شده از اهل بیت است که به عصمتشان و عدم کذب ایشان معتقدیم، و آن از امور غیبی می باشد که ما را از آن آگاه ساختند، و به وقوع پیوستن آن منع نمی شود).^(۱۹)

و برخی از آنان اعتراف می کنند که دانستن جزئیات و کیفیت و ترتیب آن به خلفای الهی موکول شده است:

سید عبد الله شبر می گوید: (به طور کلی باید به اصل رجعت ایمان داشت، و اینکه برخی از مؤمنان و برخی از کافران به دنیا باز می گردند، و جزئیات امر آن به ایشان موکول است، و احادیث در رجعت امیر المؤمنین و امام حسین متواتر المعنا هستند، و در مورد دیگر ائمه (علیهم السلام)، قریب به تواتر است، و کیفیت و چگونگی بازگشتشان آیا بر حسب ترتیب است یا غیر آن، تمام علم آن به خدای سبحان و اولیائش باز می گردد).^(۲۰)

و جدیداً این تعابیر نیز ترویج داده شدند که (رجعت) از اصول مذهب است، و نه از اصول دین!!!

آیا بین روایات رجعت و روایات مهدیبن، تعارض وجود دارد؟

رجعت که ذکر متواتر آن در روایات اهل بیت (علیهم السلام) به طور کلی آمده است:

۱۸. الإعتقادات فی دین الإمامیة: ص ۶۰.

۱۹. عقائد الإمامیة: ص ۱۱۳.

۲۰. حق الیقین: ج ۲ ص ۳۵.

علامه مجلسی می گوید: (چگونه مؤمن به حقانیت ائمه اطهار (علیهم السلام) در روایات متواتر ایشان که نزدیک به یکصد حدیث صریح و معتبرند شک کند، که چهل و اندی تن از علماء و ثقات بزرگ در بیش از پنجاه جلد از تألیفاتشان به ذکر آنها پرداخته اند..... و اگر مانند این، تواتر به حساب نیاید، پس با چه چیزی می توان در برابر آنچه که تمام شیعه از گذشتگان خود روایت کرده اند، ادعای تواتر کرد).^(۲۱)

و حر عاملی گوید: (احادیث رجعت به علت وجودشان در کتب اربعه و دیگر کتب معتبر، و کثرت و فزونی قرائن که بر قطعیت صحت و ثبات روایات آن از طریق اهل عصمت (علیهم السلام) دلالت می کنند ثابتند و به هیچ قرینه دیگری نیاز ندارند؛ زیرا به حد تواتر رسیده بلکه از حد نیز تجاوز کرده اند، و هر حدیثی از آن به همراه قرائن اشاره شده به آن مستفاد می شود. پس با وجود این همه اجماع و وحدت کلام، چه شکی باقی می ماند!).^(۲۲)

و اما ائمه هدایت رجعت را به طور کل ذکر کردند، به اعتبار اینکه ایشان تصریح کردند که زمان تبیان جزئیات عظیم و مرتبط با رجعت هنوز فرا نرسیده است، و امر آن موکول به قائم (علیه السلام) می باشد.

از زراره گوید: (از امام صادق (علیه السلام) در مورد امور عظیم رجعت و امثال آن سؤال کردم. حضرت فرمود: زمان آنچه درباره آن می پرسید، هنوز فرا نرسیده است...)^(۲۳)

پس علماء اگر بعد از دانستن این مسئله، دخالت در جزئیات رجعت را ترک می کردند خود را وارد مخمصه نمی کردند، و خود را از رنج گفته ها، نظرات و پیشنهادات و تأویلات در دین خدا بی نیاز می ساختند، تا آنجا که بعضی از آنان به این نتیجه رسیدند که تصور کردند

۲۱. بحار الأنوار: ج ۵۳ ص ۱۲۲.

۲۲. الايقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة: ص ۵۶.

۲۳. مختصر بصائر الدرجات: ص ۲۴.

روایات رجعت با روایات مهدیین از ذریه امام مهدی علیه السلام در تعارض هستند.

روایات مهدیین روایات موآتر دیگری هستند و در منابع شیعه از اغلب ائمه اهل بیت علیهم السلام روایت شده اند، و انصار امام مهدی علیه السلام آنها را در بسیاری از کتبشان ذکر کردند، و در سایت رسمی این دعوت مبارک منتشر شده اند و امکان رجوع همگان به آنها موجود است. (۲۴)

سید احمد الحسن علیه السلام می فرماید: (... روایات موآتر بسیاری وجود دارند که بر وجود دوازده مهدی از فرزندان امام مهدی علیه السلام دلالت می کنند و آنان خلفای الله بر زمین هستند؛ و همچنین روایات بسیاری بر وجود رجعت دلالت کرده اند؛ پس دو امر عقائدی بر اساس روایات بسیار و موآتر ثابت می باشند، و منکر یکی از آنها یا جاهل است و عقلش او را در درک یاری نمی رساند و علمی ندارد تا بین آنها جمع بندی کرده و توافق بین روایات به صورت صحیح و مورد قبول ایجاد کند، یا اینکه متکبر و معاند است که می خواهد خورشید را با غربال پیوشاند، و الا انکار حقیقت که بوسیله روایات بسیار و موآتر المعنی که بسیاری از علمای شیعه نسل به نسل روایت کرده اند، چه مفهومی دارد؟!).

این همان حقیقت پنهان از علماء می باشد، با وجود محقق شدن قطعی بعد از اینکه آل محمد علیهم السلام در وعده ای به شیعیان آن را قطعی ساختند: (زمان آن چیزی که در موردش می پرسید هنوز فرا نرسیده است). و شایسته بود به انتظار آن بنشینند و در بیان آن دخالت نکنند، حال چه رسد به اینکه با توهم و خیال پردازی خود برای آن مفهومی را مشخص کنند سپس با مطرح ساختن چیزی که مخالف آن است حکم صادر کنند.

پرسش هایی در مورد رجعت که قائم علیه السلام به آنها پاسخ دادند:

رجعت چیست؟ و آیا عالمی خاص است و امتحانی دیگر است که انسان از سر

۲۴. و از آنها: (چهل حدیث در مهدیین و ذریه قائم)، (مهدیین در احادیث اهل البیت)، (مهدی و مهدیین در قرآن و سنت)، (بعد از دوازده امام)، (جامع الأدله)، (بینات بر حقیانیت وصی، احمد الحسن)، (محکمت بر حقیانیت وصی، احمد الحسن)، و غیر از آنها.

می‌گذرانند؟ دلیل اثبات مبنی بر اینکه آن عالم دیگری است، چیست؟
و منظور از (الْكَبِير) که خداوند سبحان در کتاب خویش بدان اشاره داشته ﴿إِنَّهَا لِيَاحِدَى
الْكَبِيرِ﴾، (که آن از پدیده‌های بزرگ است) ^(۲۵) چیست؟

سپس خداوند در کتاب خویش به فرستادگان وعده پیروزی داده است، پس پیروزی و
نصرتشان کجا خواهد بود در حالی که همه آنها کشته یا مسموم گشته‌اند؟

و منظور از (الْأُولَى) که خداوند سبحان در کتاب خویش، در قبال آخرت به آن اشاره
کرده است، چیست؟ ﴿وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ
تُرْجَعُونَ﴾، (و اوست خدا [بی که] جز او معبودی نیست در سرای نخستین و در آخرت
ستایش از آن اوست و فرمان او راست و به سوی او بازگردانیده می‌شوید). ^(۲۶)

و آیا عالم رجعت با ظلمات سه گانه که خداوند سبحان در کتاب خود، آنها را ذکر کرده
است، ارتباط دارد؟ و یا به عبارت دیگر: وجه ارتباط بین **عالم ذر** و **این عالم** و **عالم رجعت**
چیست؟

سپس واضح و آشکار است که معرفت، هدف خلقت است، آیا عالم رجعت در تحقق این
امر نقشی دارد؟

و همچنین: رجعت در کجا خواهد بود؟ در روایات رجعت، زمین [محل وقوع] ذکر شده
است، پس آیا مُراد از آن، همین زمینی است که اکنون بر روی آن زندگی می‌کنیم یا منظور
چیز دیگری است؟ این چنین دنیا ذکر شده است.

و آیا تمام انسان‌ها باز می‌گردند یا بعضی از آنها، و آنان چه کسانی هستند؟ و آیا به
صورت اقوام باز می‌گردند یا فردی؟ یا هر دو صنف رجعت خواهند کرد؟ و آیا فقط انسان
رجعت می‌کند یا جن نیز رجعت خواهد داشت؟؟؟

سپس، برخی از احتجاجات ائمه در اثبات رجعت با احیای مردگان در امت‌های پیشین را
می‌خوانیم (همانگونه که میان امام رضا علیه السلام و مأمون حاصل گشت)، پس چگونه این امور با
همدیگر همخوانی دارند در حالی که عالم رجعت، عالمی دیگر غیر از این عالم جسمانی می‌باشد؟

۲۵. المذثر: ۳۵.

۲۶. القصص: ۷۰.

همچنین می‌یابیم که آل محمد علیهم‌السلام برخی آیات کتاب خدا را در باب قیام قائم علیه‌السلام به همراه رجعت تفسیر می‌کنند، پس معنای آن چیست؟

آیا در رجعت روز معینی وجود دارد که در آن ابلیس (لع) کشته می‌شود، همانگونه که در این دنیا روزی معین است که در آن به دست قائم علیه‌السلام در مسجد کوفه به قتل می‌رسد؟ فرد مؤمن چگونه به رجعت و به وجود مهدیین اوصیاء به هر دو اعتقاد پیدا کند، در صورتی که هر دو بعد از امام مهدی علیه‌السلام خواهند بود؟

و همچنین از آل محمد علیهم‌السلام روایت شده است که امیر المؤمنین علیه‌السلام جنبنده زمین در عالم رجعت می‌باشد، اما به وجود جنبنده ای دیگر در زمان قائم علیه‌السلام نیز اشاره شده است، پس منظور و معنای آن چیست؟

بلکه در روایات آمده است که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیر المؤمنین علیه‌السلام در دولت عدل الهی در کوفه، حضور پیدا می‌کنند، و همچنین از حضور سلمان و مالک اشتر و اصحاب کهف و غیر ایشان ضمن اصحاب قائم علیه‌السلام نیز روایت شده است، پس آیا روایات در مورد وجود رجعتی بر این زمین غیر از آن رجعت که در عالم دیگر تحقق می‌یابد، سخن می‌گویند؟

و همچنین از دیگر سؤالات: آیا در رجعت زمانی همانند زمان این عالم ما می‌باشد؟

رجعت انبیاء و ائمه چگونه خواهد بود، آیا به همین ترتیب موجود در این عالم خواهد بود؟ و اگر خداوند با فضل خویش، رجعت و بازگشت مؤمنی را مقرر نماید، آیا او به نصرت و یاری همان خلیفه الهی رجعت خواهد کرد که در این عالم او را یاری و نصرت داده بود؟ آیا وابستگی‌های نسبی و سببی موجود در زمان حال، همچون رابطه والدین و فرزندان و اهل و عیال و مشابه آن، نقش و تأثیری در رجعت دارند، مثلاً کسی که فرزند فلانی بود، در رجعت نیز فرزند او خواهد بود؟

بر فرض مثال: روایت شده است، اولین کسی که رجعت می‌کند، امام حسین علیه‌السلام خواهد بود، پس آیا او بار دیگر به عنوان فرزند امیر المؤمنین و (نوه) جدش رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، خواهد کرد و الخ...؟

این و دیگر سؤالات را سید احمد الحسن علیه‌السلام در بیان مختصر مبارک خویش پاسخگو بودند که بزرگان و علماء از پاسخ به آنها عاجز و درمانده شدند.

پس در بین دستان خواننده گرامی بیناتی که ایشان **علیه السلام** آشکار کردند و در آن پاسخگوی پرسش هایی در باب رجعت و برخی جزئیات آن هستند، را قرار می دهیم.

(۱) رجعت روزی از روزهای خداست:

چیزی که سید احمد الحسن **علیه السلام** آن را روشن ساختند، و در بیان فرموده خداوند **﴿إِنَّهَا لِيَأْخُذِي الْكُبْرَى﴾** فرمودند:

(یعنی قیامت صغری، و وقایع بزرگ الهی سه واقعه می باشند: **قیامت صغری**، و **رجعت** و **قیامت کبری**).^(۲۷)

و نیز فرمودند: (... و روزهای خداوند، نزد او و اولیائش نزدیک و نزد کافران دور هستند، به قول خداوند متعال: **﴿إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً * وَنَرَاهُ قَرِيباً﴾**، **(آنان دور می بینند * و ما نزدیک می بینیم)**.^(۲۸) و آن ها، روز قیام قائم و روز رجعت و روز قیامت کبری هستند، و در آن هنگام است که چشم انسان و همه مردم در دست هر انسان از عدل یا ظلم را می بینند وقتی که حقایق آشکار می شوند، و آنچه را که نمی دیدند را خواهند دید، هنگامی که اهل باطل ظالم پشیمان شوند و گویند: ای کاش ولایت ولی خدا و حجت او بر خلقش را می پذیرفتیم...^(۲۹).

و آنچه که از آل محمد روایت شده است:

از مثنی حنط، از جعفر بن محمد، از پدر بزرگوارش **علیه السلام** نقل است که فرمود: **(روزهای خدا سه روزند: روز قیام قائم، روز رجعت، و روز رستاخیز)**.^(۳۰)

در یک سؤال: آیا روایت در جدا کردن عالم رجعت بطور مجزاء سودمند است؟

۲۷. متشابهات: ج ۴ سؤال شماره ۱۴۴.

۲۸. المعارج: ۶-۷.

۲۹. جواب های روشگرانه: ج ۲ سؤال شماره ۵۹.

۳۰. معانی الأخبار شیخ صدوق ص ۳۶۶.

ایشان علیه السلام در پاسخ فرمودند: (آری، مسئله واضح است و مشخص کرده است که هر حادثه در روز خاص خود یعنی در وقت و عالم مختلفی به وقوع می‌پیوندد، پس روز قائم علیه السلام واضح است که در زندگی جسمانی است که در آن زندگی می‌کنیم و روز قیام قائم خلاصه زندگی جسمانی است، و روز قیامت آشکار است که در آخرت و عالم دیگر غیر از این عالم جسمانی می‌باشد. و روز رجعت باقی مانده و اکیداً آن عالم دیگری است و الا به آن "روز" یعنی وقت و آن مستقل در برابر زندگی جسمانی و قیامت، اختصاص داده نمی‌شد، پس آن از جمله آنها نیست).

جدایی و انفراد رجعت بعنوان روزی دیگر بعد از مرگ و قبل از قیامت، امری است که روایات بر آن تأکید دارند، مثالی از روایات:

محمد بن سلام از ابی جعفر علیه السلام در فرموده خداوند: ﴿رَبَّنَا أَمَّنَّا انْتِنِينَ وَأَحْيَيْتَنَا انْتِنِينَ فَأَعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِّن سَبِيلٍ﴾، (پروردگارا ما را دوبار مرده و زنده کرده ای و به گناهان خود اعتراف کردیم پس آیا راه خروجی از آن هست؟).^(۳۱) فرمود: آن در خصوص اقوامی است که بعد از مرگ رجعت می‌کنند، و تا روز قیامت نیز جاری است، و مرگ بر قوم ستمکار باد).^(۳۲)

از حماد از ابی عبد الله علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: (مردم در مورد این آیه چه می‌گویند: ﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا﴾، (و آن روز که از هر امتی گروهی را محشور می‌گردانیم)؟ عرض کردم: می‌گویند: آن در مورد قیامت است. فرمود: آنگونه نیست که می‌گویند، بلکه آن در مورد رجعت است. آیا خداوند در روز قیامت از هر گروه دسته‌ای را محشور می‌گرداند و بقیه را رها می‌کند؟! خیر، چنین نیست، همانا آیه قیامت، این است که: ﴿وَحَشَرْنَاَهُمْ فَلَمْ نُعَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا﴾، (و آنان را محشور می‌آوریم و هیچ یک را فرو گذار نمی‌کنیم).^(۳۳)....^(۳۴)

۳۱. غافر: ۱۱.

۳۲. مختصر بصائر الدرجات ص ۱۹۵-۱۹۴.

۳۳. الکهف: ۴۷.

۳۴. مختصر بصائر الدرجات ص ۴۲-۴۱.

۲) رجعت، امتحانی دیگر:

بعد از اینکه آشکار شد که رجعت روزی از سه روز بزرگ خدا است، بنا بر این آن عالمی دیگر و امتحانی دیگر است که در آن، بعضی از خلقی که ایمان محض و کفر محض داشتند در آن آزمایش می‌شوند.

از مفضل، از ابی عبد الله علیه السلام نقل می‌کند که حضرت در مورد فرموده خداوند متعال ﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا﴾ فرمود: (از مؤمنان هیچ کسی کشته نشد مگر این که به دنیا برگردد تا بمیرد، و باز نمی‌گردند جز کسانی که خالصانه ایمان آوردند یا کفر محض داشتند).^(۳۵)

رجعت عالمی است که دارای قوانین خاص خود می‌باشد:

امام صادق علیه السلام بعد از اینکه کشته شدن ابلیس بدست رسول الله صلی الله علیه و آله در عالم رجعت را ذکر کرد، فرمود: (... در این زمان خدای عز و جل (به حق) عبادت می‌شود و نسبت به او شرک ورزیده نمی‌شود، و امیر المؤمنین علیه السلام به مدت چهل و چهار هزار سال حکومت می‌کند، تا آنجا که از هر مرد شیعه و پیرو علی علیه السلام هزار فرزند پسر متولد شود، و در آن هنگام دو باغ سر سبز و سیاه فام در کنار مسجد کوفه و اطراف آن آنگونه که خدا بخواهد پدیدار می‌گردند).^(۳۶)

و واضح است که ولادت هزار فرزند پسر برای یک مرد جدا از فرزندان دختر، امری غیر طبیعی بوده و نمی‌تواند در این عالم جسمانی که قوانین خاصی بر آن حاکم است، تحقق یابد.^(۳۷) همانگونه که مدت زمانی که روایات برای حکم خلفای الهی در رجعت ذکر کرده

۳۵. تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۳۱. بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۵۳.

۳۶. مختصر بصائر الدرجات ص ۲۷.

۳۷. از لحاظ عقلی نا ممکن نیست، هر چند که معمولاً نا ممکن است، و ظاهر روایت نشانگر این است که این امر بصورت عادی و طبیعی صورت می‌گیرد و نه بصورت معجزه و استثنائی؛ و روایت، هر مرد از شیعیان امام علی علیه السلام

اند، دلالت بر این دارند که رجعت عالمی دیگر که قوانین خاص به خود دارد است، که با قوانین این عالم متفاوت می‌باشند.

سید احمد الحسن علیه السلام می‌فرماید: (عالم رجعت، عالمی غیر از این عالم است که ما در آن زندگی می‌کنیم، و این امر از روایات آشکار است، مثلاً: روایاتی که دلالت بر این دارند که رجعت عالمی دیگر است بدلیل منافات صفاتش مبنی بر اینکه انسان در آن عمر طولانی خواهد داشت و یا فرزندان بسیاری برای او خواهند بود، و همچنین متن قرآنی در مورد رجعت مبنی بر اینکه آن زندگی بعد از مرگ می‌باشد، پس حال چگونه خواهد بود و مردم در آن هنگام خواهند دید که مردگان بسیاری از گورها سر بر می‌آورند، پس امتحان و آزمایش کجاست و چرا برخی از مردم سرپیچی و نافرمانی می‌کنند؟).

و نیز فرمودند: (تو را به مسأله‌ای که در مورد رجعت است ملتفت می‌سازم، پس عاقل وقتی که از روایات رجعت و چگونگی زندگی در آن، و برای هر شخص چند فرزند به دنیا می‌آید... الخ اطلاع پیدا می‌کند، به نتیجه می‌رسد که آن عالمی دیگر است، پس عقل و واقع این را نمی‌پذیرند که این مسائل در این دنیا با این محدوده‌هایی که دارد، باشند؛ و این برداشت و مفهوم نزد خردمندان غیر قابل قبول است اما با کسانی که هیچ سخنی را درک نمی‌کنند، چه کنیم؟!).

و در توضیح مانند این مفهوم ابتدائی و درک اولیه نا درست از روایات که بعضی از مدعیان علم به آن دست یافتند، چه در مورد رجعت باشد چه غیر از آن از عقائد، ایشان علیهم السلام در این باره فرمودند: (مانند این درک و فهم اولیه و ابتدائی از روایات در نزد برخی می‌بینیم که تصورشان از دجال این است که او یک شخص (انسان) می‌باشد، علی‌رغم اینکه گام‌های قاطر او مسافت بسیار دوری را طی می‌کنند، و در برخی روایات آمده است که: بین گوشه‌هایش چهل یا هفتاد ذراع فاصله است و علی‌رغم اینکه در روایات آمده است که همراه او کوهی از طعام و کوهی از آتش است، چگونه ممکن است که طول گوش‌های آن سی ذراع

یا فاصله بین آن دو چهل ذراع باشد؟! و وجود کوهی از آتش و کوهی از طعام چگونه می‌باشد؟ آیا عقل یا شخص خردمند این حدیث را بدون داشتن رمز و راز قبول می‌کند؟! آنان با این تفاسیر محل خویش از احادیث، مردم را در دنیایی از توهم و خیال پردازی دور از واقعیت قرار می‌دهند.

بر فرض مثال: بر حسب درک و فهم ضعیف آنان از روایات، اصحاب مهدی از بستر خود مفقود شده و بدون هیچ مقدمه و زمینه سازی در مکه جمع می‌گردند! گویا فیلم کارتونی برای کودکان است! اینچنین بدون زمینه سازی عقائدی، و بدون اینکه امام مهدی (علیه السلام) آنان را با علم مسلح سازد، این چنین تصویری برای مردم ایجاد می‌کنند که اصحاب مهدی در شبی از شبها در هوا به پرواز در آمده و خود را در کعبه می‌یابند و فقط امام مهدی به همراه سیصد و سیزده نفر از اصحاب، خود را در حالی می‌یابند که هزاران وهابی دورشان را احاطه کرده اند.

اینگونه درک و فهم، نزدیکی بسیاری به سفاهت و بی‌خردی دارد و آنان این چنین مردم را سست و بی‌حس می‌کنند و از نصرت و یاری امام مهدی (علیه السلام) با این حجت و دلیل که ایشان و سیصد و سیزده تن از اصحابش در مکه ظهور خواهند کرد و پیروز می‌شوند، و شما منتظر ظهور و پیروزی ایشان باشید و هیچ عملی انجام ندهید! را دور می‌کنند. چگونه بر صدها هزار وهابی اگر در مکه با او مبارزه کردند، پیروز خواهد شد؟! چگونه بر حجاز مسلط خواهد شد؟! تنها با صدها نفر یا با معجزات در هم شکننده؟ و اگر مسأله، فقط مسأله معجزات و هلاکت مردم بود، بنا بر این نیازی به امام مهدی (علیه السلام) نیست، بلکه خداوند سبحان مردم را هلاک می‌کند و با معجزات بر آنها پیروز می‌شود و با چیره و غلبه آنها را وادار به ایمان می‌کند، و امر به پایان می‌رسد!

این فهم ساده و ناچیز آنها از مسائل عقائدی چه مرتبط با امام مهدی (علیه السلام) و یا رجعت، بیانگر سفاهت و بی‌خردی شان در امری که متصدی آن هستند و سطح ضعف درکشان را می‌رساند، و باید این امور روشن و تبیان شوند تا کسی که از آنان می‌شنود و گوش به آنان فرا می‌دهد سطح فکری و علمی آنها را بداند و توسط آنها فریب نخورد).

ممکن است روایات متشابهی ذکر شده باشند که به ظاهر بیانگر این باشند که رجعت جزئی از این عالم جسمانی می‌باشد، و بعنوان مثال: شیخ صدوق رحمته الله در سؤال مأمون عباسی از امام رضا علیه السلام در حدیثی طولانی را روایت می‌کند که در آن آمده است: (... مأمون گفت: ای ابا الحسن در مورد رجعت چه می‌گویی؟ حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: رجعت حق است و در میان امت‌های پیشین بوده است و قرآن از آن سخن گفته است. و پیامبر فرمود: در این امت، درست هر آنچه که در امت‌های پیشین رخ داده است بی‌کم و کاست، رخ خواهد داد). (۳۸)

و در مورد این حدیث از سید احمد الحسن علیه السلام سؤال شد: امام رضا علیه السلام در مورد کدام رجعت سخن می‌فرمود؟

ایشان علیه السلام در پاسخ فرمودند: (رجعت به طور کل چه در عالمی دیگر باشد، همانگونه که گفته شد، و چه نباشد همانگونه که برخی از مخالفان ادعاء می‌کنند، پس آن در نتیجه زنده شدن بعد از مرگ است همانگونه که می‌دانی، و در نتیجه می‌توان برای آن مثال زنده شدن مردگان در گذشته را ذکر کرد؛ زیرا آن حادثه ای است که شخص مخالف در مورد قول رجعت، به آن اقرار می‌کند.

پس مأمون مخالف بود، و در نتیجه با چه چیزی ممکن بود بر او محتج شوی؟ آیا به آن چیزی که به آن اقرار دارد احتجاج نمی‌کنی؟ و مأمون مخالف امام رضا علیه السلام بود، و در نتیجه امام علیه السلام بر اساس گفته‌های خودشان در مورد احیای بعضی مردگان بعد از مرگ در امت‌های پیشین که به آن اقرار دارند، بر او احتجاج کرد).

۳) رجعت، روزی که خداوند در آن، فرستادگانش را پیروز می‌گرداند:

سید احمد الحسن علیه السلام در بیان آن فرمودند:
(... فرستادگان یا خلفای خدا بر زمینش، رسالات خویش را ابلاغ کرده و اقوام خود را

هشدار دادند و در مقابل آن تنها تکذیب، گریز، قتل، همت و افتراء نصییشان گشت، اما خداوند سبحان به آنان وعده پیروزی و محقق شدن رسالات و حق غضب شده آنان را داد، و این پیروزی برای آنان در سه موضع خواهد بود: قیامت صغری، رجعت و قیامت کبری، یا همان وقایع الهی سه گانه که اولین آنها قیامت صغری و آن قیام قائم آل محمد و ارسال او به مردم می باشد.

و خداوند می فرماید: ﴿وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ * إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ * وَإِن جُنَدُنَا لَهُمُ الْعَالِيُونَ * فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ * وَأَبْصَرَهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ * أَفَبِعَدَابِنَا يُسْتَعْجِلُونَ * فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنذَرِينَ﴾، (و قطعاً فرمان ما در باره بندگان فرستاده ما از پیش [چنین] رفته است * که آنان حتماً پیروز خواهند شد * و سپاه ما هر آینه غالب آیندگانند * پس تا مدتی [معین] از آنان روی برتاب * و آنان را بنگر که خواهند دید * آیا عذاب ما را شتابزده خواستارند * [پس هشدار داده شدگان را] آنگاه که عذاب به خانه آنان فرود آید چه بد صبحگاهی است).^(۳۹)

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ﴾، (و به حقیقت ما به موسی کتاب [آسمانی] دادیم پس در مورد آن اختلاف شد و اگر از جانب پروردگارت وعده ای پیشی نگرفته بود قطعاً میان آنها داوری شده بود و بی گمان آنان در باره آن در شکی بهتان آمیزند).^(۴۰)

﴿وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى﴾، (و اگر سخنی از پروردگارت پیشی نگرفته و موعدهی معین مقرر نشده بود قطعاً [عذاب آنها] لازم می آمد).^(۴۱)

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ﴾، (و به راستی موسی را کتاب [تورات] دادیم پس در آن اختلاف واقع شد و

۳۹. الصافات: ۱۷۷-۱۷۱.

۴۰. هود: ۱۱۰.

۴۱. طه: ۱۲۹.

اگر از جانب پروردگارت فرمان [مهلت] سبقت نگرفته بود قطعاً میانشان داوری شده بود و در حقیقت آنان در باره آن به شکی سخت دچارند).^(۴۲)

﴿وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًّا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ﴾، (و فقط پس از آنکه علم برایشان آمد راه تفرقه پیمودند [آن هم] به صرف حسد [و برتری جویی] میان همدیگر و اگر سخنی [دایر بر تأخیر عذاب] از جانب پروردگارت تا زمانی معین پیشی نگرفته بود قطعاً میانشان داوری شده بود و کسانی که بعد از آنان کتاب [تورات] را میراث یافتند واقعاً در باره او در تردیدی سخت [دچار] اند).^(۴۳)

اگر در این آیات تدبیر و تفکر کنی، به وضوح پیروزی خداوند برای فرستادگان (پیغمبر) و راه و روش الهی که به آن دعوت می‌کردند که همان حاکمیت خدا است به زمان قیام قائم که او کلمه پیشی گرفته از طرف خداست و او رهبر سربازان لشکر خدای غالب است، و او که روز داوری اول یعنی در قیامت صغری می‌باشد، موکول شده است. این خلاصه وار است، و اگر خواهان جزئیات بیشتر هستی، می‌توانی سؤال کنی و من در خدمت شما هستم إن شاء الله تعالی).^(۴۴)

و آل محمد (علیهم‌السلام) در روایات شریف خویش، بیان کردند:

از جمیل بن دراج، از امام صادق (علیه‌السلام) گوید: (در مورد فرموده خداوند عز و جل ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾، (در حقیقت ما فرستادگان خود و کسانی را که گرویده‌اند در زندگی دنیا و روزی که گواهان بر پای می‌ایستند قطعاً یاری می‌کنیم).^(۴۵) سؤال کردم. آن حضرت فرمود: به خدا سوگند، آن در رجعت خواهد بود. آیا مگر نمی‌دانی که بسیاری از پیامبران در دنیا یاری نشدند و کشته شدند، و پیشوایانی که کشته

۴۲. فصلت: ۴۵.

۴۳. الشوری: ۱۴.

۴۴. جواب‌های روشنگرانه ج ۱ سؤال شماره ۵۳۱.

۴۵. غافر: ۵۱.

شدند و یاری نشدند، پس آن در رجعت خواهد بود. عرض کردم: ﴿وَأَسْمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ * يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ﴾، (و گوش فرا دار و منتظر روزی باش که منادی از مکان نزدیک نداء می‌دهد، روزی که همگان صیحه را به حق می‌شنوند، آن روز، روز خروج است).^(۴۶) حضرت فرمود: آن همان رجعت است.^(۴۷)

۴) در رجعت، معرفت عالی تحقق می‌یابد (هدف خلقت):

شکی نیست که هدف خلقت انسان و جن، معرفت است. اما سؤال: این معرفت در کجا بصورت تمام و کمال تحقق خواهد یافت؟ و اگر رجعت در پاسخ این سؤال نقشی داشته باشد، پس رجعت در کجا خواهد بود؟

خداوند می‌فرماید: ﴿وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾، (و اوست خدا [بی‌که] جز او معبودی نیست در این [سرای] نخستین و در آخرت ستایش از آن اوست و فرمان او راست و به سوی او بازگردانیده می‌شوید).^(۴۸)

از سید احمد الحسن علیه السلام در مورد این آیه پرسیده شد، پس به آن پاسخ دادند و پاسخ سؤالات فوق را بیان ساختند و فرمودند: (یعنی اینکه حمد و ستایش حقیقی از خداوند سبحان، ثنای او بطور تمام و کمال و بر حسب مرتبه عالی معرفت است: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾، (و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند).^(۴۹) یا معرفت یابند، و این معرفت عالی که نشانگر هدف اصلی خلقت است در آسمان نخست یعنی [آسمان رجعت] و قبل از آن [آسمان ذر] می‌باشد و ابتدای آن یعنی [ابتدای اولی] در ظهور امام مهدی علیه السلام می‌باشد، که مرحله نخست و مقدمات زمینه سازی برای عالم رجعت آغاز می‌شود.

﴿وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾، (و فرمان از آن اوست): یا حاکمیت از آن خداوند است، که با حکم امام مهدی علیه السلام و مهدیین علیهم السلام سپس رجعت، و حکم انبیاء، فرستادگان، ائمه و

۴۶. ق: ۴۲-۴۱.

۴۷. مختصر بصائر الدرجات ص ۱۹-۱۸.

۴۸. القصص: ۷۰.

۴۹. الذاریات: ۵۶.

اوصیاء تحقق می‌یابد.

﴿وَالِيَهُ تُرْجَعُونَ﴾، (و به سوی او بازگردانیده می‌شوید): بازگشت به سوی خداوند سبحان در رجعت است، یعنی تا نیکوکاران را به سبب نیکی کردارشان و ظالمین را به سبب ظلمشان در رجعت (کسانی که خالصانه ایمان آوردند و یا به کفر محض رسیده باشند) مورد پاداش و عقوبت قرار دهد،^(۵۰) همانگونه که از ائمه (علیهم السلام) روایت شده است. پس برای هر ظالمی پیمانه، و برای هر نیکوکاری پیمانه ای است، پس خداوند انتقام انبیاء، فرستادگان و ائمه را از ظالمانی که به کفر محض رسیده اند، می‌ستاند.

﴿وَلَنَذِيْقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾، (و قطعاً غیر از آن عذاب بزرگتر از عذاب این دنیا [نیز] به آنان می‌چشانیم امید که آنها [به خدا] بازگردند).^(۵۱)

و قطعاً غیر از آن عذاب بزرگتر از عذاب این دنیا [نیز] به آنان می‌چشانیم (یعنی در رجعت). اما در آخرت: حمد و ستایش کامل تر، بزرگتر، و تمام تر است؛ زیرا آن کشف تام و کامل از حقایق است و هر کس بر حسب خود می‌باشد: ﴿لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ﴾، (به او می‌گویند [واقعاً که از این [حال] سخت در غفلت بودی و ما پرده ات را برداشتیم و دیده ات امروز تیز است).^(۵۲)

﴿وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غَلٍّ تَجْرِي مِنَ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنَّ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رَسُولٌ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَن تِلْكَمُ الْجَنَّةُ أُوْرثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾، (و هر گونه کینه ای را از سینه هایشان می‌زداییم از زیر [قصرهای] شان نهرها جاری است و می‌گویند ستایش خدای را که ما را بدین [راه] هدایت نمود و اگر خدا ما را رهبری نمی‌کرد ما خود هدایت نمی‌یافتیم در حقیقت فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند و به آنان ندا داده می‌شود که این همان بهشتی است که آن را به [پاداش] آنچه انجام می‌دادید میراث یافته اید).^(۵۳)

۵۰. مختصر بصائر الدرجات: ص ۲۴.

۵۱. السجدة: ۲۱.

۵۲. ق: ۲۲.

۵۳. الأعراف: ۴۳.

یعنی از بین بردن (منیت) از سینه ها، و هر کدام بر حسب ظرفیت ظرف خود از این رحمت الهی فیض می‌برد، و بر اساس اعمال نیکی که انجام داده است، با همان پیمانۀ اش برای او پیمانۀ برداشته می‌شود).^(۵۴)

۵) رجعت در آسمان نخست می‌باشد:

شاید کسی که نسبت به آسمان اول جاهل باشد گمان می‌کند که آن آسمانی جسمانی است، یا اینکه آسمان آبی که ما را احاطه کرده است که آن را با چشم می‌بینیم، همان گونه که بسیاری از مفسرین شیعه و سنی به آن معتقد شدند.

اما حقیقت آن چنین نیست، آن آسمان مثالی است که با چشم دیده نمی‌شود.

سید احمد الحسن علیه السلام در بیان آن در کتاب (همگام با بنده صالح) فرمودند:

(آسمان نخست با چشم دیده نمی‌شود خدا به تو توفیق دهد. آسمان دنیا، به آسمان نخست و آسمان جسمانی تقسیم می‌شود. در آسمان نخست ارواح مردم و در آسمان جسمانی جسم مادی انسان که با چشم قابل روئیت است، قرار دارد. این امری است که در کتاب قبلی بیان ساختم،^(۵۵) و همچنین در مورد آن برای انصار بسیار توضیح دادم.

آسمان جسمانی همان آسمانی است که در آن ستارگان، کهکشان‌ها و خورشید دیده می‌شود، و همچنین زمین نامیده می‌شود، به عبارت دیگر آسمان جسمانی بطور کلی، در برخی اوقات زمین نامیده می‌شود).

و آن عالم دیگری است که با زمان و مکان ارتباطی ندارد، ایشان علیه السلام می‌فرمایند:

(... آن هیچ ارتباطی با جهت‌ها ندارد، در آن زمان و مکان وجود ندارد، و ارتباطی با

زمان و مکان ندارد).

بلکه واژه‌هایی که در این عالم مورد استفاده قرار می‌دهیم با دقت از آن تعبیر نمی‌کند، زیرا

آن عالم دیگری است؛ ایشان علیه السلام می‌فرمایند:

۵۴. المتشابهات: ج ۴ سؤال شماره ۱۷۱.

۵۵. بعنوان مثال به کتاب متشابهات: ج ۴ سؤال شماره ۱۷۵ در مورد آفرینش آسمان‌ها و زمین رجوع شود.

(مشکل این است که آن عالمی دیگر است پس ممکن نیست با دقت کامل با این واژه ها که در حقیقت از این عالم می باشند و این [واژه ها] از این عالم تعبیر می کنند، از آن [عالم] تعبیر کرد، جایی که از آن عالم با این واژه ها هر چه باشند نمی توان تعبیر کاملی کرد، زیرا که بیانگر آن نمی باشد، بلکه از آن نیست بلکه این تعبیرها به دور می باشند).^(۵۶)

و همچنین: سید احمد الحسن علیه السلام آشکار کردند که آسمان نخست از هفت آسمانی که در خلقت شش روزه آسمانها و زمین ذکر شده است، می باشد؛ و بیان کردند که رجعت در آن به وقوع می پیوندد. ایشان علیه السلام فرمودند:

(و باید ملاحظه شود که آسمان نخست نهایت و پایان آسمان دنیا می باشد، به عبارت دیگر آسمان دنیا از این عالم جسمانی آغاز شده، و در ابتدای عالم ملکوتی روحانی پایان می یابد، یعنی پایانش حلقه پیوند می باشد، و پایانش یا حلقه پیوند همان آسمان نخست است. در زیارت جامعه آمده است: (... و حجج الله علی اهل الدنيا والآخرة والأولی...)، (حجت های خدا بر اهل دنیا و آخرت و [آسمان] نخست).^(۵۷)

و خداوند در قرآن می فرماید: ﴿وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾، (و اوست خدا [ای که] جز او معبودی نیست در سرای نخستین و در آخرت ستایش از آن اوست و فرمان او راست و به سوی او بازگردانیده می شوید).^(۵۸)

و نیز می فرماید: ﴿وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ﴾، (و قطعاً پدیدار شدن نخستین خود را شناختید پس چرا سر عبرت گرفتن ندارید).^(۵۹)

در [آسمان] نخست عالم های ذر و رجعت، که ارواح در آن می باشند، پس خداوند سبحان در همان لحظه نخست خلقت هرگز به عالم اجسام نظر نداشته است، همانگونه که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود. همانا نقطه توجه و اهتمام از پایان عالم اجسام که همان پایان آسمان دنیاست، آغاز

۵۶. کتاب همگام با بنده صالح - یکی از انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام.

۵۷. مفاتیح الجنان ص ۶۲۰.

۵۸. القصص: ۷۰.

۵۹. الواقعة: ۶۲.

می‌شود و این پایان همان آسمان نخست می‌باشد.

و خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ﴾، (و به راستی بالای سر شما هفت راه آفریدیم و از آفرینش غافل نبوده‌ایم).^(۶۰)

هفت راه: (آسمان‌های هفتگانه)، از آسمان نخست تا آسمان هفتم می‌باشند. و آسمان جسمانی دنیا جز آنها نیست؛ زیرا که آن بالای ما نیست بلکه ما در آن قرار داریم، پس آن ما را احاطه کرده است. (زیر ما و بالای ما و از تمامی جهت های زمین). ﴿يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ﴾، (و شتابزده از تو عذاب می‌خواهند و حال آنکه جهنم قطعاً بر کافران احاطه دارد).^(۶۱)

و برایت آشکار خواهد شد که چرا این آیه را در این موضع ذکر نمودم. و این بدان معنا است که اگر آسمانها با این جزئیات شمرده شوند هشت آسمان خواهند شد نه هفت آسمان، اما دنیای جسمانی شمرده نشده است، زیرا که آن جزئی از آسمان دنیا به همراه هر آنچه که در آن است از آسمان نخست و آسمان جسمانی می‌باشد. پس هنگامی که نخست یا دنیا را ذکر کردم پس آن ضمنش می‌باشد؛ زیرا که جزئی از آن یا تابع آن است. و آسمان جسمانی یک بار بعنوان (زمین)، و باری دیگر بعنوان (آسمان دنیا) شمرده می‌شود؛ زیرا که آن از جانب مرئی اش می‌باشد. و در آسمان جسمانی زمین بلکه هفت زمین موجود می‌باشند، و در زمین هفتم (جهنم) قرار دارد، همانگونه که بهشت در آسمان دوم قرار دارد، اما در نخستین (بهشت زمینی) موجود می‌باشد و آن بهشت آدم است؛ زیرا که آسمان نخست همانطور که بیان نمودم آن جزئی از آسمان دنیاست، و ملکوت آن نیز می‌باشد.

از علی بن ابراهیم، از پدرش، از احمد بن محمد بن ابی نصر، از حسین بن میسر، گوید: از ابا عبد الله امام صادق علیه السلام در مورد بهشت آدم علیه السلام پرسیدم، حضرت فرمود: (آن بهشتی از بهشت های دنیاست که خورشید و ماه در آن طلوع می‌کنند، و اگر از بهشت های آخرت بود، [آدم] هرگز از آن خارج نمی‌شد).^(۶۲)

﴿وَزَيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا﴾، (و آسمان دنیا را با چراغهایی زینت و حفظ

۶۰. المؤمنون: ۱۷.

۶۱. العنكبوت: ۵۴.

۶۲. الکافی: ج ۳ ص ۲۴۷.

کردیم: و چراغ‌ها، انبیاء و فرستادگان و اوصیاء (علیهم‌السلام) می‌باشند، از پیروان خود با آموزه‌ها و اخلاق الهی که به مردم می‌آموزند در برابر وسوسه‌های شیاطین محافظت می‌کنند. و ظهور آنان در آسمان جسمانی به شکل سیاره‌ها و خورشیدهای درخشان هستند، پس چه فراوان است تاریکی و ظلمت در آسمان، و چه اندکند ستارگان نسبت به ظلمت و تاریکی! همان‌گونه که چه اندکند انبیاء بر زمین، و چه بسیارند آتھائی که به مخالفت برخاسته و رویگردانی و مبارزه کردند و هرگز به یاریشان نشتافتند. پس همواره انبیاء و اوصیاء و انصارشان اندک می‌باشند، همچون (اندکی ستارگان در آسمان جسمانی).

و در پایان حرکت فلک اعظم (منظورم قوس نزول است)، و آغاز صعودش به سوی جهت آخرت، تحوّل و دگرگونی این عالم جسمانی به جهنم آغاز و بر افروخته خواهد شد. پس کسانی که زینت و زرق و برق زمین را انتخاب کردند پاداش آنها باز گشتشان به آن چیزی که انتخاب کردند و بخاطرش خدا را عصیان نمودند می‌باشد، یا اینکه بگوئیم در آن باقی خواهند ماند؛ زیرا که بواسطه اعمال و افعال و ظلمشان، جهنمی‌فروزان و شعله‌ور خواهد بود.

و اکنون مصداق آیه ای که پیش تر ذکر کردم، برایت آشکار شد: ﴿يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ﴾، (و شتابزده از تو عذاب می‌خواهند و حال آنکه جهنم قطعاً بر کافران احاطه دارد).

و در آغاز صعود (قوس نزول) عالم رجعت آغاز می‌شود، و آن عالمی دیگر و امتحانی دیگر برای کسی که به ایمان محض و برای کسی که به کفر محض رسیده اند، می‌باشد. و عالم رجعت با پایان حکومت مهدی دوازدهم (علیه‌السلام)، قائمی که حسین بن علی (علیه‌السلام) بر او خروج می‌کند، آغاز خواهد شد... (۶۳).

و سید احمد الحسن (علیه‌السلام) نیز می‌فرمایند:

(لطفاً دقت شود به اینکه رجعت در آسمان دنیا می‌باشد؛ زیرا که آسمان دنیا به دو آسمان تقسیم می‌شود: آسمان اجسام و آسمان نخست، و رجعت در آسمان نخست تحقق می‌یابد. این

ملاحظه را از باب تذکر یاد کردم؛ زیرا برخی که نسبت به حقیقت امر جاهل هستند، شاید گمان کنند که آسمان دنیا فقط این آسمان اجسام است، با اینکه این آسمان اجسام تنها جزئی از آسمان دنیا می باشد همان گونه که قبلاً در کتب ذکر نمودم خدا به شما توفیق دهد، بلکه شاید برخی گمان کنند که آسمان نخست همان آسمان اجسام یا جسمانی است با اینکه با آن تفاوت دارد و علی رغم اینکه هر دو در پیدایش آسمان دنیا با هم مشارکت دارند).

و اگر این مسئله واضح گشت، می توانیم معناء و مفهوم "دنیا" که در آن رجعت خواهد بود را در روایت بعدی، در یابیم:

امام صادق علیه السلام می فرماید: (نخستین کسی که زمین به روی او شکافته می شود و به دنیا بر می گردد حسین بن علی علیه السلام است، و رجعت همگانی نیست بلکه خاص است، و فقط کسانی به دنیا باز می گردند که مؤمن محض یا مشرک محض باشند). (۶۴)

پس دنیا در اینجا عالم اجسام یا آسمان آن نیست، بلکه آن آسمان نخست می باشد، و وجه اطلاق دنیا بر آن واضح گشت.

۶) زمینی که رجعت بر آن تحقق می یابد:

در عطف بیان گذشته، مطرح ساختن سؤالی دیگر، پاسخ آن در فزونی توضیح آنچه گذشت سهیم خواهد بود، که بعد از عرضه داشتن روایت ذیل، با آن آشنا می شویم:

ولید بن صبیح از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: (روزی بر امام علیه السلام وارد شدم پس ایشان علیه السلام لباس هائی را به من داد و فرمود: ای ولید آن را بر حالت تا شده اش باز گردان، پس من در مقابل ایشان بر خاستم، امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند معلی بن خنیس را رحمت کند. گوید: من گمان کردم که امام علیه السلام بر خاستن مرا به بر خاستن معلی بن خنیس در مقابلشان تشبیه کرد. سپس به من فرمود: اف بر دنیا اف بر دنیا، همانا دنیا سرای

بلاست، خداوند دشمن خود را بر ولی خود در آن مسلط کرده است، و بعد از آن سرایی (دنیایی) خواهد بود که این چنین نیست. عرض کردم: فدایتان شوم! آن دنیا کجاست؟ فرمود: اینجا سپس با دست خویش به زمین اشاره نمود).^(۶۵)

و اکیداً آن عالم رجعت است. لذا از سید احمد الحسن علیه السلام سؤال شد: منظور ابی عبد الله علیه السلام از اشاره به این زمین چیست؟

ایشان علیه السلام فرمودند: (بلی، خدا تو را توفیق دهد و از خطاء دورت کند، همانا برای زمین تجلی گاه‌هایی در همه آسمان دنیا است که به آسمان نخست که رجعت در آن تحقق می‌یابد، امتداد دارند، پس رجعت نیز در زمین است هر چند که در تجلی دیگری از زمین به جز این که ما در آن در این عالم جسمانی زندگی می‌کنیم، باشد).

(۷) رجعت یکی از عوامل قوس نزول است:

از سید احمد الحسن علیه السلام در مورد ظلمات سه گانه در فرموده خداوند پرسیده شد:

﴿خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَآنتَى تُصْرَفُونَ﴾، (شما را از نفسی واحد آفرید سپس جفتش را از آن قرار داد و برای شما از دامها هشت قسم پدید آورد شما را در شکمهای مادرانتان آفرینشی پس از آفرینشی [دیگر] در تاریکیهای سه گانه خلق کرد این است خدا پروردگار شما فرمانروایی از آن اوست خدایی جز او نیست پس چگونه [و کجا از حق] برگردانیده می‌شوید).^(۶۶)

پس در پاسخ خویش، قوس صعود و نزول در حرکت انسان از مبدأ تا مقصد او را آشکار کردند.

فرمودند: (آن: ظلمتِ ذر، ظلمتِ دنیا و ظلمتِ رجعت می‌باشند، و آنها عوامل قوس نزول

۶۵. مختصر بصائر الدرجات: ص ۲۴.

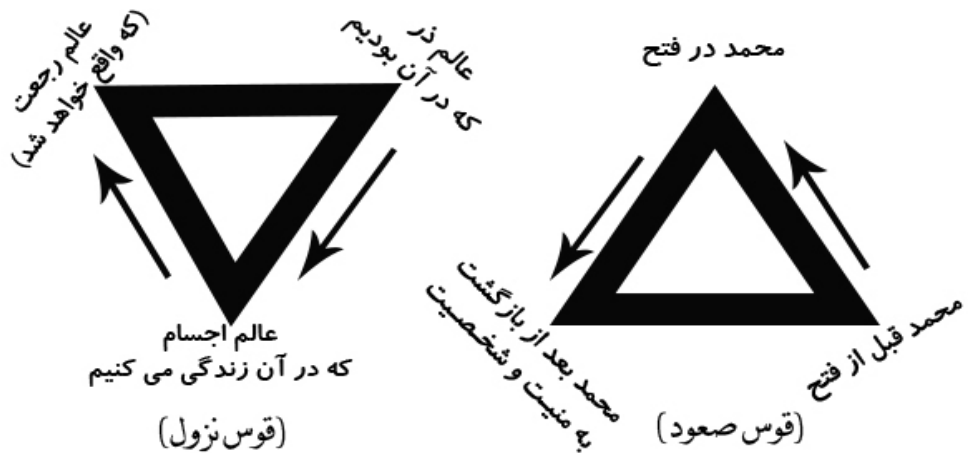
۶۶. الزمر: ۶.

هستند. و عوالم قوس صعود انوار سه گانه می‌باشند: و آن‌ها: (قبل از فناء شدن و در فناء شدن و بازگشت بعد از فناء است). و آنها مراتب سه گانه محمد قبل از فتح حجاب، بعد از فتح حجاب و بازگشت بعد از حجاب هستند. پس او بین فناء در ذات الهی تا آنجائی که چیزی باقی نمی‌ماند جز خداوند یگانه قهار و بین بازگشت به منیت و شخصیت خویش بود. و این مراتب ششگانه در قوس صعود و نزول نشانگر کل وجود است، و تجلی نور در ظلمت و ظهور موجودات بواسطه نور در ظلمات است، و آن (واو نزول و واو صعود می‌باشد) که به شش روز و مراتب ششگانه اشاره دارد.

واو نزول

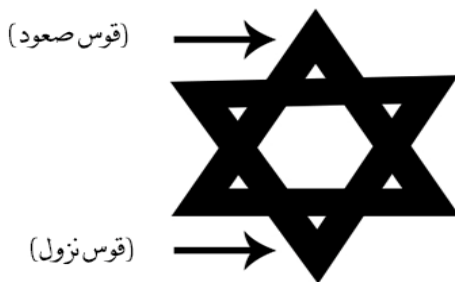
واو صعود

و آن دایره موجود در رأس "واو" بر حیرت موجود در قوس صعود که آن حیرت در نور است دلالت می‌کند، آن هم به سبب عدم درک و معرفت نور تام که در آن هیچ ظلمت و تاریکی نیست، و او خداوند سبحان و تعالی معرفت تام و کامل است، پس مراتب قوس صعود عبارتند از: قبل از فتح، بعد از فتح و فناء، و سوم بازگشت به منیت و شخصیت بعد از فناء شدن. اما حیرت در ظلمت؛ زیرا که آن در پایین ترین نقطه مراتبش قابل درک نمی‌باشد و از آن چیزی حاصل نمی‌شود، بلکه آن ظلمت و عدم است و هیچ سهمی از وجود برای آن نیست مگر قابلیت آن برای وجود، و این حقیقت ماده است، ظلمت و عدمی که از آن هیچ چیز حاصل نمی‌شود، و از آن هیچ چیز شناخته نمی‌شود، اگر چه تجلی شکل ملکوتی در آن و ظاهر ساختن آن نبود، از آن هیچ چیز شناخته نمی‌شد. پس مراتب قوس نزول عبارتند از: عالم ذر، سپس فرود آمدن به ظلمت ماده، سپس صعود در قیامت قائم علیه السلام تا رسیدن به رجعت که مرتبه سوم می‌باشد؛ و این تصویر قوس نزول و صعود می‌باشد:



و از اجتماع و دخالت در همدیگر، کل وجود از ابتداء تا انتهایش حاصل می گردد، و او

محمد صلی الله علیه و آله و سلم است.



پایان فرموده های سید الکلیله).

و با دخالت در همدیگر قوس نزول و صعود در یکدیگر، نام رسول الله محمد صلی الله علیه و آله و سلم در آنها

آشکار می گردد:



۸ رجعت عالمی است که

افراد در آن باز می گردند:

در عالم رجعت، آیا تکلیف داران از امتها باز می گردند یا افراد رجعت می کنند؟ و آیا

رجعت برای انس و جن نیز خواهد بود؟ و چه کسانی رجعت خواهند کرد؟
 سید احمد الحسن (علیه السلام) در بیان این مسئله پاسخ فرمودند: (رجعت به انس و جن متعلق می‌باشد و به امت‌ها مربوط نمی‌شود بلکه به افراد. کسانی که خالصانه ایمان آوردند و کسانی که به کفر محض رسیدند رجعت می‌کنند، به عبارتی دیگر کسانی که برای امتحان در رجعت باز می‌گردند، پیشوایان عدل و پیروان خاص ایشان هستند، و پیشوایان کفر و پیروان خاص آنان می‌باشند، و مسأله رجعت و علت آن را در بیش از یک موضع را با جزئیات شرح دادم، آن را مطالعه کن).^(۶۷)

اما آیاتی که در مورد رجعت برخی افراد از امتها سخن می‌گویند، بسیار هستند. از جمله:
 ﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيَّ مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾، (در حقیقت همان کسی که این قرآن را بر تو فرض کرد یقیناً تو را به سوی وعده گاه باز می‌گرداند بگو پروردگارم بهتر می‌داند چه کس هدایت آورده و چه کس در گمراهی آشکاری است).^(۶۸)

این رجعت رسول الله محمد و آل محمد (علیهم السلام) می‌باشد، آنان اهل قرآن هستند.

و خداوند می‌فرماید: ﴿يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾، (و آن روز که از هر امتی گروهی از کسانی را که آیات ما را تکذیب کرده‌اند محشور می‌گردانیم پس آنان نگاه داشته می‌شوند تا همه به هم بیوندند).^(۶۹)

و این آیه در مورد رجعت پیشوایان کفر و پیروان خاص آنان است).^(۷۰)

۹ رجعت عالمی است که در آن زمان وجود ندارد:

از ابی عبد الله امام صادق (علیه السلام) در مورد روزی که خداوند سبحان مقدار آن را در قرآن،

۶۷. متشابهات ج ۳ سؤال شماره ۱۴۵ و ج ۴ سؤال شماره ۱۷۱ و ۱۷۵.

۶۸. القصص: ۸۵.

۶۹. النمل: ۸۳.

۷۰. جواب های روشنگرانه ج ۳ سؤال شماره ۲۳۵.

پنجاه هزار سال ذکر کرده است پرسیده شد: حضرت علیه السلام فرمود: (آن رجعت رسول الله صلی الله علیه و آله است. پس مُلک او در بازگشتش پنجاه هزار سال خواهد بود، و امیر المؤمنین در رجعتش چهل و چهار هزار سال حکومت خواهد کرد).^(۷۱)

و در مورد این روایت و امثال آن، از سید احمد الحسن علیه السلام پرسیده شد: آیا در عالم رجعت، مدت زمانی مانند مدت زمان موجود در این عالم وجود دارد؟

در جواب فرمودند: (مانند زمان این زندگی جسمانی ما وجود ندارد، اما در رجعت حوادث و گذشت زمان آنی پس از آن دیگر وجود دارند که مناسب با آن عالمند، و به این علت است در روایتی که ذکر کردی ملاحظه می‌کنی که، از روزی استفاده شده است که بیانگر واقعه عروج ملائکه و روح برای بیان مدت زمان در رجعت می‌باشد. ﴿تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ﴾، (فرشتگان و روح در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است به سوی او بالا می‌روند)).^(۷۲)

۱۰) اعتقاد به رجعت و مهدیین علیهم السلام:

اخیراً یاوه گوئی‌هایی از طرف برخی گروه‌های نیمه‌تعلیم یافته مبنی بر اینکه مهدیین مذکور در وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله همان ائمه دوازده گانه هستند، فزونی یافته است، این گفته برخی از آنهاست. و گفته دیگر این است که بعضی‌ها مهدیین را اوصیاء و حجت‌های خدا می‌دانند، اما وجود و نقش آنها فقط در رجعت خواهد بود. و گفته سوم راه‌های جمع بین روایت‌های مهدیین و رجعت او را عاجز کردند، پس اذعان داشت که بین دو گروه از روایات تعارض وجود دارد و روایات رجعت را بر روایات مهدیین مقدم داشت.

و در مورد چنین گفته‌هایی، سید احمد الحسن علیه السلام فرمودند: (در هر حال خدا به شما توفیق دهد، روایات متواتر بسیاری وجود دارند که بر وجود دوازده مهدی از فرزندان امام

۷۱. مختصر بصائر الدرجات ص ۴۹.

۷۲. المعارج: ۴.

مهدی (علیه السلام) دلالت می‌کنند و آنها خلفای خدا بر زمین هستند، و همچنین روایات متواتر دیگری بر وجود رجعت دلالت کردند، بنا بر این دو امر عقائدی بر اساس روایات بسیار و متواتر ثابت می‌باشند، و منکر یکی از آنها یا نسبت به حقیقت امر جاهل بوده و عقلش او را در درکشان یاری نمی‌دهد و علمی ندارد تا بین آنها جمع بندی کرده و به شکلی صحیح بین آنها توافق ایجاد کند، یا اینکه متکبر و لجباز است که می‌خواهد خورشید را با غربال پیوشاند، و الا معنای انکار حقیقتی که در روایات بسیار توسط علمای شیعه نسل به نسل روایت شدند، چه مفهومی دارد؟!.

اما کسی که از جهل و نادانی می‌گوید: مهدیین فقط در رجعت می‌باشند، قطعاً جاهل بوده و بیهوده گو و دچار سر در گمی می‌باشد؛ زیرا رجعت تنها برای کسانی است که قبل از آن در این عالم جسمانی زندگی کرده اند، و با توجه به اینکه رجعت برای کسانی که ایمان محض داشتند پس مهدیین از جمله کسانی می‌باشند که در این عالم جسمانی قبل از رجعتشان، ایمان محض داشتند.

بنا بر این، کسی که از وجودشان در عالم رجعت سخن گوید، ثابت می‌کند که آنان نقشی مهم و اساسی در این عالم جسمانی دارند، و چنین گفته ای دوباره به او باز می‌گردد، پس هنگامی که رجعتشان بعنوان حجت های الهی بر خلق را ثابت کرد در این حالت نیز نقش آنان بعنوان حجت های الهی در عالم جسمانی را ثابت نموده است، پس نقششان به عنوان حجت های الهی در عالم جسمانی در کجا می‌باشد؟ آیا بعد از ائمه دوازده گانه نیست؟!.

اما کسی که از حد بلاهت و بی خردی گذشته، می‌گوید: مهدیین همان ائمه می‌باشند، گمان می‌کنم این سخن ارزش پاسخ دادن هم ندارد! پس روایات بسیار واضحند که مهدیین از فرزندان قائم و از فرزندان حسین و از فرزندان علی و فاطمه می‌باشند پس چگونه همان ائمه می‌باشند و روایات ذکر می‌کنند که آنان از ذریه امام حسین (علیه السلام) هستند، آیا حسن یا علی از ذریه حسین می‌باشند؟! و چگونه خود ائمه دوازده گانه می‌باشند در حالیکه روایات ذکر کردند که آنها از ذریه امام مهدی (علیه السلام) می‌باشند، پس آیا علی و حسن و حسین و ائمه از فرزندان امام مهدی (علیه السلام) هستند؟!.

در حقیقت این گفته ها تعبیر از بی خردی گوینده دارند.

علاوه بر آن، روایات به وضوح امر و زمان مهدیین را ذکر کرده اند که بعد از ائمه (علیهم السلام)

می‌باشند و هرگز از وجودشان در رجعت سخن نگفته‌اند، و حتی یک روایت هم پیدا نمی‌شود که بگوید آنان فقط در رجعت خواهند بود، پس این سخنان بیهوده و بی‌خردانه را از کجا آوردند که هر کس کلام آنها را می‌شنود در می‌یابد که خداوند عقول این قوم را سلب کرده است و خدا را برای نعمت عقلی که به او ارزانی کرده را سپاس می‌گوید).

و نیز فرمودند: (... و همچنین بدان: مهدین از نشانه‌های ساعت و میقات آن هستند، و با آخرین مهدی، این عالم جسمانی پایان می‌یابد و عالم رجعت آغاز می‌شود و سپس قیامت فرا می‌رسد. ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَىٰ وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾، (در باره هلالها از تو می‌پرسند بگو آنها گاه شماری برای مردم و حج‌اند و نیکی آن نیست که از پشت خانه‌ها در آید بلکه نیکی آن است که کسی تقوا پیشه کند و به خانه‌ها از در آنها در آید و از خدا بترسید باشد که رستگار گردید) (۷۳)... (۷۴)

۱۱) برای رجعت روزی معلوم، مانند این عالم خواهد بود:

کسی که بیان بعضی رویدادهای مهم در روایات را مورد مطالعه قرار دهد در می‌یابد که، آنها یک بار اشاره به این عالم جسمانی داشته و باری دیگر به عالم رجعت اشاره دارند. همچون قضیه کشته شدن ابلیس، گمراه کننده امت‌ها (لع).
روایت شده است که قائم علیه السلام، ابلیس (لع) را در روز معلوم، در مسجد کوفه به قتل می‌رساند:

وهب بن جمیع مولای اسحاق بن عمار گوید: (از امام صادق علیه السلام درباره گفته ابلیس: ﴿قَالَ رَبُّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُعْتُونَ * قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ * إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾، (گفت پروردگارا پس مرا تا روزی که برانگیخته خواهند شد مهلت ده * فرمود تو از مهلت یافتگانی

* تا روز وقت معلوم).^(۷۵) سؤال نمودم، پس عرض کردم: فدایتان شوم، مقصود چه روزی است؟ فرمود: ای وهب، آیا گمان کردی منظور روز قیامت است؟ منظور روز قیام قائم ماست. خداوند ابلیس را تا روز قیام قائم ما مهلت داده است و چون آن حضرت قیام کند و به مسجد کوفه تشریف فرما شود، شیطان می‌آید و دو زانو جلو آن حضرت می‌نشیند و می‌گوید وای بر من از این روز! سپس حضرت پیشانی او را می‌گیرد و وی را گردن می‌زند. این است آن روزی که به او وعده داده شده است).^(۷۶)

و در روایت دیگر کشته شدن ابلیس به دست رسول الله ﷺ در روز معلوم ذکر شده است:

از عبد الکریم بن عمرو خنعمی نقل کرده که گفت: (از امام صادق علیه السلام شنیدم می‌فرمود: ابلیس به خداوند گفت: ﴿قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ﴾، (مرا تا روز قیامت مهلت ده)، خدای سبحان خواسته او را نپذیرفت و فرمود: ﴿قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ * إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾، (فرمود تو از مهلت یافتگان * تا روز وقت معلوم)، پس زمانیکه روز وقت معلوم فرا رسد ابلیس که لعنت خدا بر او باد با همه پیروانش از زمان آفرینش حضرت آدم تا آن روز، پدیدار می‌شود، آن هنگام آخرین رجعتی است که امیر المؤمنین علیه السلام انجام می‌دهد. به آن حضرت عرض کردم: آیا رجعت بار دیگر تکرار می‌شود؟ فرمود: آری، رجعت چندین و چندین بار است هیچ امام و پیشوایی در هیچ قرنی نیست مگر اینکه افراد مؤمن و نیکوکار و انساهاى تبهکارِ زمانِ خودش با او رجعت می‌کنند، تا اینکه خداوند بوسیله مؤمن از کافر انتقام بگیرد، آن زمان که روز وقت معلوم فرا برسد امیر المؤمنین علیه السلام با یاران خود رجعت دارد و ابلیس و هوا دارانش نیز می‌آیند، و میعاد گاه آنان در زمینی از زمین های فرات است به نام "روحا" نزدیک کوفه شما، آنان با یکدیگر آنچنان نبردی می‌کنند که از زمانی که خداوند جهانیان را آفریده بی سابقه بوده است، گویی به یاران امیر المؤمنین علیه السلام می‌نگرم که صد گام به عقب بر می‌گردند، و گویی می‌بینم که قسمتی از پاهای آنان داخل فرات شده است، در این هنگام تجلی خدای جبار عز و جل ﴿فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْعَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ﴾، (بوسیله قطعه

۷۵. الحجر: ۳۸-۳۶.

۷۶. بحار الأنوار ج ۶۰ ص ۲۵۴.

به هم پیوسته‌ای از ابر و فرشتگان فرود می‌آید) و وعده عملی می‌شود؛ و رسول اکرم صلی الله علیه و آله سلاحی از نور در دست دارد، هنگامی که ابلیس به آن حضرت می‌نگرد به عقب بر می‌گردد و عقب می‌نشیند. یارانش به او می‌گویند: کجا می‌خواهی بروی، تو پیروز شده‌ای؟ ابلیس می‌گوید: ﴿إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ﴾، (من چیزی می‌بینم که شما آن را نمی‌بینید، من از خدا پروردگار جهانیان بیم دارم)، در اینجا رسول خدا صلی الله علیه و آله با او درگیر می‌شود حربه ای بر میان کتف او فرود می‌آورد، که هلاک ابلیس و هلاک کلیه اتباعش او را در پی خواهد داشت، در این زمان خدای عز و جل (به حق) عبادت می‌شود و نسبت به او شرک ورزیده نمی‌شود، و امیر المؤمنین علیه السلام مدت چهل و چهار هزار سال حکومت می‌کند، تا آنجا که از هر مرد شیعه و پیرو علی علیه السلام هزار فرزند پسر بوجود آید، و در این هنگام دو باغ سر سبز و سیاه فام در کنار مسجد کوفه و اطراف آن آنگونه که خدا بخواهد پدیدار می‌گردند).^(۷۷)

و این شبهه ای بود که سید احمد الحسن علیه السلام در کتب شریف و پاسخ های ایشان به رفع و حل آن ها پرداختند.

درباره آیه ابر موجود در روایت، فرمودند:

(و خداوند می‌فرماید: ﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْعَمَامِ وَالْمَلَائِكَةِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ﴾، (مگر انتظار آنان غیر از این است که خدا و فرشتگان در [زیر] سایبانهایی از ابر سپید به سوی آنان بیایند و کار [داوری] یکسره شود و کارها به سوی خدا بازگردانده می‌شود).^(۷۸)

و کسی که در سایه ابرها می‌آید، محمد (تجلی گاه الله در خلق) در رجعت می‌باشد که در دست خویش سلاحی از نور دارد و ابلیس (لع) را می‌کشد، پس پاک و منزّه است خداوند متعال از رفت و آمد یا حرکت که اینها از صفات مخلوق می‌باشند...^(۷۹).

سپس روایت قبلی خثعمی ذکر شد.

۷۷. مختصر بصائر الدرجات: ص ۲۷.

۷۸. البقرة: ۲۱۰.

۷۹. التوحيد: ۴۱.

سپس از سید احمد الحسن (علیه السلام) سؤال شد: در بیشتر از یک آیه کریمه می بینیم که ائمه هدایت (علیهم السلام) آیه را درباره این عالم و عالم رجعت تفسیر می کنند، حکمت آن چیست؟ ایشان (علیهم السلام) فرمودند: (روز وقت معلوم روز قیام قائم است که ابلیس در آن روز کشته می شود، همانگونه که روایت شده است که قائم او را در مسجد کوفه به قتل می رساند، اما از آنجائی که رجعت تکرار امتحان برای برخی خلق که به ایمان محض و کفر محض داشتند، است، ابلیس ملعون گمراه کننده خلق نیز به همراه آنان باز می گردد؛ زیرا از جمله کسانی است که به کفر محض رسیده است، و زیرا که او یکی از افراد مورد آزمایش در امتحان الهی می باشد. و در نتیجه نیز در رجعت روز معلوم دیگر وجود دارد، یا به عبارت دیگر تکرار روز معلوم حقیقی_اصلی_ که در زندگی جسمانی بوده است.

رجعت، نامش دال بر خودش است خدا به تو توفیق دهد، آن رجعت است به معنای تکرار. قومی که مردند باز می گردند، امتحانی که به پایان رسید تکرار می شود، روزهایی که گذشتند باز می گردند..... پس اگر هنگام قیام قائم برای ابلیس روز معلومی باشد همانگونه که در روایات آمده است و امر به پایان رسید، و قائم (علیه السلام) در این روز ابلیس را به قتل رساند، سپس رجعت صورت گرفت و ابلیس رجعت نمود به اعتبار اینکه او از جمله کسانی است که به کفر محض رسیده است، پس آیا بعد از بازگشتش تا روز قیامت همانگونه که او طلب کرد رها و به حال خود باقی گذاشته خواهد ماند؟! یا اینکه روز معلوم در عالم رجعت بر اساس آنچه که مناسب آن عالم [رجعت] است بار دیگر بر او تکرار می شود و بر اساس روایت، قاتل او در رجعت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) خواهد بود؟!.

و همچنین فرمودند: (قتل اول: در ظهور قائم (علیه السلام) و قیامت صغری در این دنیا است، آنجائی که قائم (علیه السلام) او را در هنگام ظهور حق در مسجد کوفه به قتل رسانده و در جهنم می افکند. و قتل دوم: در رجعت (رجعت اول) که بعد از پایان یافتن حکومت مهدی دوازدهم و رجعت حسین بن علی (علیه السلام) بر او آغاز می گردد، و علی بن ابی طالب (علیه السلام) و همه کسانی که ایمان محض داشتند و کسانی که کفر محض ورزیده اند، باز می گردند، و ابلیس (لعنه الله) نیز باز می گردد؛ زیرا از جمله کسانی است که به کفر محض رسیده و به دست رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) کشته

خواهد شد، همانگونه که در روایت دوم آمده است).^(۸۰)

۱۲) رجعت دو رجعت است:

رجعت نخستین در قالب مانند و نظیر است، که در هنگام قیام قائم عَلَيْهِ السَّلَام خواهد بود. و رجعت دوم با روح و جسدی که مناسب آن باشد خواهد بود، که در این مختصر بعنوان عالم و روزی دیگر از روزهای بزرگ خدا در مورد آن سخن می‌گوئیم، که پیش تر واضح گشت که در آسمان نخست خواهد بود.

همانا جهل علماء نسبت به این حقیقت مهم، علت و سبب عدم فهمشان در مورد امر رجعت و ظهور گفته‌های متعدد و دور از حق و حقیقت بود، که از آن بعضی بیان شد.

سید احمد الحسن عَلَيْهِ السَّلَام در بیان دو رجعت فرمودند: (... رجعت دو تا می‌باشند: رجعت و بازگشت در هنگام قیام قائم عَلَيْهِ السَّلَام در قالب مثال و شباهت به آنها، و رجعتی در عالم رجعت "نخست"^(۸۱) با ارواح و کالبدی مناسب با آن عالم، بعد از اینکه خداوند آنان را نسبت به حال خویش و امتحان اول و دوم خود، دچار نسیان و فراموشی می‌سازد).^(۸۲)

و در مورد بیان آن نیز می‌فرمایند:

(... اما آنچه که در مورد اصحاب کهف روایت شده است که با قائم عَلَيْهِ السَّلَام مبعوث می‌شوند، آنها بعضی از مخلصان از اصحاب رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، و اصحاب امیر المؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام همچون مالک الأشتر می‌باشند، و منظور خود به شخصه نمی‌باشند، بلکه مُراد در این روایات نظیر و امثال آنان از اصحاب قائم عَلَيْهِ السَّلَام هستند، به عبارتی دیگر مردی از اصحاب قائم عَلَيْهِ السَّلَام نظیر مالک الأشتر در شجاعت، جسارت، فرماندهی، و دل‌سپاری به ذات الهی و اطاعت از

۸۰. متشابهات: ج ۴ سؤال شماره ۱۷۷.

۸۱. اشاره به فرموده حق تعالی: ﴿وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْخَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾، (و اوست خدا [بی‌که] جز او معبودی نیست در این [سرای] نخستین و در آخرت ستایش از آن اوست و فرمان او راست و به سوی او بازگردانیده می‌شوید). القصص: ۷۰.

۸۲. همگام با بنده صالح - یکی از انتشارات انصار امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام

خداوند و اخلاق نیک و بسیاری از صفات و ویژگی های بارز دیگر که مالک الاشر به آنها شهرت داشت، خواهد بود، به همین علت ائمه او را مالک اشتر توصیف می کنند.

و این امر از اهل بلاغت و فصاحت و سرورانشان اهل بیت (علیهم السلام) به دور نیست، همچون شاعر حسینی که آمدن علی اکبر به میدان جنگ را به آمدن محمد (صلی الله علیه و آله) به میدان را تشبیه می کند، و آن به دلیل شباهت خلق و خلقت علی اکبر به رسول الله (صلی الله علیه و آله) است. با وجود اینکه اصحاب ائمه که به حق محض رسیده اند در رجعت، بعد از حکم دوازدهمین مهدی، در زمان آخرین آنان که او آخرین قائم به حق از آل محمد که حسین بن علی (علیه السلام) بر او خارج می شود و این آخرین مهدی یا آخرین قائمی می باشد که هیچ فرزندی برای او نیست، باز می گردند و رجعت خواهند کرد.^(۸۳)

و این مقطع، رجعت در قالب مثال و شبیه را نیز توضیح می دهد، که در کتاب (محکمات در حقانیت وصی، احمد الحسن) یکی از انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) ایراد شده است:

(... و اما رجعت در قالب مثال و شبیه رجعتی است که در روزهای قائم (علیه السلام) و دعوت بزرگ الهی او تحقق می یابد، و برخی روایات که بر آن تأکید می کنند، عبارتند از:

از ابی مروان می گوید: (از ابا عبد الله (علیه السلام) در مورد فرموده خداوند پرسیدم: ﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدُكَ إِلَيَّ مَعَادٍ﴾، (در حقیقت همان کسی که این قرآن را بر تو فرض کرد یقیناً تو را به سوی وعده گاه باز می گرداند)،^(۸۴) گوید: حضرت فرمود: به خداوند سوگند چنین نیست، دنیا به پایان نمی رود تا اینکه رسول الله (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام) در ثویه گرد هم آیند و با هم دیگر ملاقات می کنند و مسجدی در ثویه می سازند که دوازده هزار درب دارد. ثویه موضعی در کوفه است).^(۸۵)

و آن مسجدی است که قائم (علیه السلام) در روزهای خویش می سازد، آن هنگام که مردم به او عرض می کنند: (... مسجد گنجایش و ظرفیت ما را ندارد، پس حضرت به آنان می فرماید: به سوی شما باز می گردم. پس به طرف غری خارج شده و در آن نقشه مسجدی را می کشد که

۸۳. متشابهات ج ۲ سؤال شماره ۷۲.

۸۴. القصص: ۸۵.

۸۵. بحار الأنوار: ج ۵۳ ص ۱۱۴-۱۱۳.

هزار درب دارد و مردم را در بر می‌گیرد).^(۸۶)

و منظور از رسول الله ﷺ و علی علیه السلام در حدیث قبلی، نظیر آنان می‌باشند، به طوری که آمدن آنان به مانند آمدن رسول الله ﷺ و علی علیه السلام است.

و رجعت در قالب مانند و شباهت را در فرموده امام صادق علیه السلام می‌یابیم که فرمود: (قائم علیه السلام از پشت کوفه به همراه بیست و هفت نفر خارج می‌شود که پانزده تن از آنان از قوم موسی علیه السلام می‌باشند کسانی که به حق هدایت می‌کردند و عدالت را پیشه خود می‌ساختند، و هفت نفر از اصحاب کهف و یوشع بن نون، و سلمان و ابا دجانة انصاری و مقداد و مالک الأشر نیز حضور دارند، که در بین دستان قائم علیه السلام به عنوان انصار و حکومتداران قرار می‌گیرند).^(۸۷)

به عبارتی دیگر یعنی: از انصار امام مهدی علیه السلام کسانی هستند که شبیه و مانند این اشخاص مذکور در روایت می‌باشند نه اینکه خود آن اشخاص بار دیگر باز گردند!

و برای اطمینان و تأکید بیشتر درباره این دو روز (روز قائم و روز رجعت)، می‌توانی به خواندن و تدبیر در روایت قبلی [روایت خثعمی] پردازای که بیان می‌کند رسول الله ﷺ همان کسی است که در روز معلوم سلاحی از نور، بر پیکر ابلیس فرود می‌آورد و او را هلاک می‌کند، و از سوی دیگر روایات دیگر می‌گویند: قائم علیه السلام ابلیس را در مسجد کوفه به قتل می‌رساند، پس در می‌یابیم که ابلیس در روز معلوم در عالم رجعت به دست رسول الله ﷺ کشته می‌شود، و قائم علیه السلام در هنگام قیام حق او را در مسجد کوفه و در این عالم به قتل می‌رساند، و آن روز رجعت در قالب مثل و شباهت می‌باشد، همانگونه که توضیح دادیم).
پایان.

و اگر از وجود دو شخص شبیه و نظیر رسول الله ﷺ و امیر المؤمنین علیه السلام در زمان ظهور مقدس آگاه شدیم، آیا مردم خلیفه ای از خلفای الهی بر زمین جز امام مهدی محمد بن حسن العسگری علیه السلام و فرزند و وصی اش مهدی اول (احمد) اولین ایمان آورندگان و نزدیکان به ساختش، طبق وصیت رسول الله ﷺ را می‌یابند؟!

۸۶. بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۳۳۱.

۸۷. ارشاد شیخ مفید ج ۲ ص ۳۸۶.

۱۳) جنبده زمین (دابة الأرض) در رجعت و در این عالم:

خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ﴾، (و چون قول [عذاب] بر ایشان واجب گردد جنبده‌ای را از زمین برای آنان بیرون می‌آوریم که با ایشان سخن گوید که مردم به نشانه‌های ما یقین نداشتند).^(۸۸)

و از سید احمد الحسن علیه السلام در مورد معنای این آیه پرسیده شد، ایشان علیه السلام فرمودند: (... مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: (به من خبر رسیده است که عامه این آیه را این گونه می‌خوانند «تکلمهم»؛ یعنی به آنها زخم و جرح وارد می‌سازد، ایشان فرمود: خداوند به آنها در آتش جهنم زخم و ضربه بزند، این آیه تنها از «تکلمهم» به معنای کلام و سخن است).^(۸۹)

و امام رضا علیه السلام درباره فرموده خداوند: ﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ﴾ فرمود: (او علی علیه السلام است).^(۹۰)

پس جنبنده در این آیه انسان است، و روایاتی بیان ساختند که او علی بن ابی طالب علیه السلام می‌باشد، و در رجعت خواهد بود، پس علی علیه السلام جنبنده زمین در رجعت که با مردم سخن می‌گوید است، که با آیات خدا مؤمن را از کافر آشکار می‌سازد. و قبل از رجعت قیام قائم علیه السلام، نیز جنبده ای وجود دارد که (با مردم سخن می‌گوید)،^(۹۱) و ضعف ایمانشان به آیات و نشانه های الهی در ملکوت آسمان ها که همان رؤیا و مکاشفه در بیداری است را برایشان آشکار می‌کند، و بیان می‌کند که بسیاری از مردم در طول زندگی انسانیت خود بر این زمین، بیشترشان به آیات و نشانه های ملکوتی خداوند یقین ندارند و به رؤیا و مکاشفه و گواهی در ملکوت آسمانها ایمان نمی‌آورند؛ زیرا نظر خود را به این زمین و ماده آن محدود ساختند، و مقصد و منتهای دانش آنها آن می‌باشد و چیزی جز آن را به حساب نمی‌آورند، ﴿ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِّنَ

۸۸. النمل: ۸۲.

۸۹. بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۵۳.

۹۰. بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۵۳ - مدينة المعاجز بحرانی ج ۳ ص ۹۰.

۹۱. استاد احمد الخطاب (از انصار امام مهدی علیه السلام) این مورد را با جزئیات کامل مورد بحث قرار داد. به کتاب (انقلابگر مشرق و جنبده زمین) مراجعه شود.

الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اهْتَدَى ﴿٩٢﴾، (این منتهای دانش آنان است پروردگار تو خود به [حال] کسی که از راه او منحرف شده داناتر و او به کسی که راه یافته [نیز] آگاه‌تر است). (۹۲). (۹۳)

و درباره جنبه زمین که در ظهور مقدس خروج می‌کند، روایات بسیاری ذکر شده اند از جمله:

از امام صادق علیه السلام در حدیثی طولانی فرمود: (...سپس جنبنده زمین بین رکن و مقام خروج می‌کند، بر چهره هر مؤمنی می‌نویسد که: مؤمن است، و بر چهره هر کافری می‌نویسد که: کافر است، سپس سفیانی ظهور می‌کند و به همراه سپاهش راهی عراق می‌شود... و زوراء را ویران می‌کند و آن را ویران شده رها می‌کند، و کوفه و مدینه را خراب می‌سازد... سپس به سوی سرزمین بیداء خروج می‌کند... پس زمین آنان را می‌بلعد...). (۹۴)

از علی بن ابراهیم بن مهزیار، از امام مهدی علیه السلام نقل می‌کند: (... به امام علیه السلام عرض کردم: ای مولای من، این امر چه وقت خواهد بود؟ فرمودند: آن هنگام که بین شما و راه کعبه حایل ایجاد شود و ماه و خورشید گرد هم آیند و ستارگان به دور آنها جمع شوند. عرض کردم: چه هنگام ای فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم؟ به من فرمودند: در سال فلان و فلان، جنبنده ای از زمین در بین صفا و مروه خروج می‌کند که انگشتر سلیمان و عصای موسی را به همراه دارد، تا مردم را به سوی محشر سوق می‌دهد). (۹۵)

و بسیار واضح است که این جنبنده الهی، مردی است که قبل از امام مهدی علیه السلام و قبل از ظهور سفیانی خروج می‌کند، و واضح شد که شبیه و نظیر علی علیه السلام در عصر ظهور همان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام و یمانی ایشان درود خدا بر آنان باد، می‌باشد.

و لذا سید احمد الحسن علیه السلام فرمودند: (... و در برخی روایات از قائم علیه السلام به عنوان علی

۹۲. النجم: ۳۰.

۹۳. متشابهات ج ۴ سؤال شماره ۱۴۵.

۹۴. رجعت - آستر آبادی ص ۱۰۰.

۹۵. بشارة الإسلام: ص ۲۳۶.

بن ابی طالب یا جنبده زمین تعبیر شده است، و آن لقبی مشترک بین قائم و علی بن ابی طالب می‌باشد). (۹۶)

اما به چه دلیل مهدی اول شبیه جدش امیر المؤمنین (علیه السلام) شد، و برخی از القاب ایشان بر او اطلاق شده اند، همانگونه که در اطلاق لقب (جنبده زمین) در یافتیم؟

سید احمد الحسن (علیه السلام) در کتاب (همگام با بنده صالح) در توضیح آن فرمودند:

از عبایه اسدی گوید: (شنیدم امیر المؤمنین (علیه السلام) در حالی که تکیه کرده است و من ایستاده بودم فرمود: در مصر منبری بنا خواهم نمود، و دمشق را سنگ سنگ آزاد می‌کنم، و یهود و نصاری را از سرزمین‌های عرب بیرون خواهم راند، و عرب را با این عصای خود [به طرف حق] سوق خواهم داد. عبایه می‌گوید: من عرض کردم: یا امیر المؤمنین! گویی شما خبر می‌دهید که بعد از مردن بار دیگر زنده می‌شوید و این کارها را انجام می‌دهید! فرمود: هیئات ای عبایه! مقصود من از این سخنان آن گونه که تو خیال کردی نیست؛ مردی از من اینها را انجام خواهد داد). (۹۷)

پس امیر المؤمنین (علیه السلام) فعلی که در آینده انجام خواهد شد را به خود نسبت می‌دهد، در حالی که انجام دهنده مستقیم این فعل مردی از فرزندان او می‌باشد، پس وجه آن چیست؟

در مورد این امر از ایشان (علیه السلام) پرسیدم و عرض کردم: در بسیاری روایات ذکر شده است که همواره امام افعال را به خویش نسبت می‌دهد در حالی که منظور ایشان امامی دیگر از فرزندان او است، مانند "مُكَلِّمِ موسى" و "مردی از من اینها را انجام خواهد داد". آیا صحت نسبت تنها در این است که امام از او می‌باشد یا موضوع دیگری در میان است؟ و آیا با وحدت و یگانگی نورشان در آسمان هفتم پیوند و ارتباطی وجود دارد؟

ایشان (علیه السلام) به من فرمودند: (خدا به تو توفیق دهد، در این عالم جسمانی، آری ایشان از اوست؛ زیرا که از ذریه اش می‌باشد، و در آسمان هفتم نیز از اوست؛ زیرا [در درجه ای] کمتر از او و جزئی از حقیقتش می‌باشد). (۹۸)

۹۶. جواب های روشنگرانه ج ۶ سؤال ۵۲۹.

۹۷. بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۶۰-۵۹.

۹۸. کتاب همگام با بنده صالح - یکی از انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام).

۱۴) رجعت خلفای الهی و شیعیانشان:

این برخی از روایات در بیان رجعت از آل محمد می‌باشند:

جابر بن یزید از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: (همانا امام علی علیه السلام و فرزندش حسین بن علی علیه السلام بر می‌گردند تا اینکه از معاویه و امیه انتقام بگیرند، سپس خداوند انصار او را در آن روز از اهل کوفه سی هزار نفر و از بقیه مردم هفتاد هزار نفر مبعوث می‌کند و آنها را مجدداً مانند صفین می‌یابد و آنها را می‌کشد و هیچ مخبری از آنها نمی‌ماند، سپس خداوند متعال آنها را با شدیدترین عذاب همراه فرعون و آل فرعون مبعوث می‌کند، سپس بار دیگر همراه رسول الله می‌آیند تا خلیفه در زمین شوند و ائمه همکاران ایشان می‌باشند تا اینکه خداوند به طور آشکار عبادت شود، همانگونه که عبادت مخفیانه ای داشت، سپس فرمود: پس عطاء می‌کند خداوند متعال به نبی گرامی چندین برابر از آنچه از ابتدای خلقت دنیا تا پایان آن به جمیع اهل دنیا داده شده است تا اینکه آشکار گردد برای ایشان آنچه که در کتاب خود به او وعده داده بود ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾، (تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند هر چند مشرکان خوش نداشته باشند) صورت گیرد.^(۹۹)

و جابر از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: (امام حسین علیه السلام قبل از شهادت به اصحاب خود فرمود: پیامبر خدا به من فرمودند: ای فرزندم! تو [روزی] به عراق گسیل خواهی شد و آن سرزمینی است که پیامبران و اوصیای پیامبران در آن گرد هم آمده و با هم ملاقات کرده‌اند. آن زمین «عمورا» نامیده می‌شود و تو در آنجا شهید می‌شوی و گروهی از یاران تو به همراه تو شهید می‌شوند. آنان از [ضربت شمشیر و] تماس آهن [بر بدنهایشان] هیچگونه دردی را احساس نمی‌کنند. سپس آیهی شریفه را تلاوت کرده و فرمودند: ﴿يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ﴾، (ما گفتیم: ای آتش! بر ابراهیم سرد و سلامت باش).^{۱۰۰} جنگ بر تو و آن گروه سرد و سلامت خواهد بود. سپس امام حسین علیه السلام به یاران خود

۹۹. مختصر بصائر الدرجات ص ۲۹.

۱۰۰. الأنبياء: ۶۹.

فرمود: اکنون بشارت دهید، چرا که به خدا قسم اگر ما را بکشند، ما بر پیامبر خود وارد می‌شویم. [بعد از آن] فرمود: من بعد از کشته شدن، آن مقدار که خداوند اراده کند، درنگ خواهم کرد و اولین نفری خواهم بود که زمین بر او شکافته می‌شود و خارج می‌شوم به خروجی که با خروج امیر المؤمنین (علیه السلام) و قیام قائم ما (عج) و زندگی رسول الله همزمان خواهد بود. سپس نمایندگانی از آسمان از نزد خدا برای من فرود می‌آیند که تا آن وقت ابداً فرود نیامده‌اند و جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و لشکر فرشته‌ها برای من نازل می‌شوند. حتماً محمد و علی (علیه السلام) نازل می‌شوند و من و برادرم و تمامی آنان که خداوند به آنها منت گذاشته است، فرود می‌آیند، بر مرکب‌هایی از مراکب خدا، اسبانی سفید پیشانی و نورانی که هیچ مخلوقی تاکنون سوار آنها نشده است، سپس محمد پرچم خود را به اهتزاز در می‌آورد و همراه شمشیر خود به قائم (علیه السلام) ما تحویل می‌دهد، بعد از آن مقدار که خدا خواهد می‌مانیم و خداوند از مسجد کوفه چشمه‌هایی از روغن و آب و شیر بیرون می‌آورد، سپس امیر المؤمنین (علیه السلام) شمشیر رسول الله را به من می‌دهد و مرا به مشرق و مغرب می‌فرستد. پس به سوی دشمن خدا نمی‌روم، مگر این که خونش را می‌ریزم و بتی رها نمی‌کنم مگر اینکه آن را بسوزانم).^(۱۰۱)

و در مورد این روایات و امثال آنها از سید احمد الحسن (علیه السلام) پرسیده شد:

رجعت ائمه چگونه خواهد بود؟ و آیا در یک بُرهه زمانی رجوع می‌کنند؟

و آیا رجعتشان از نظر ترتیب و از لحاظ پدری و فرزندی به همان ترتیبی است که در این

عالم است؟

مثلاً: روایت شده است، اولین کسی که رجعت می‌کند، امام حسین (علیه السلام) است، آیا بار

دیگر به عنوان فرزند امام علی (علیه السلام) و جدش رسول الله (صلی الله علیه و آله) و الخ رجعت می‌کند؟

و آیا مردمی که رجعت می‌کنند با رابطه پدری، فرزندی، همسری و دوستانه و مشابه آن باز

می‌گردند؟

ایشان (علیه السلام) فرمودند: (رجعت عالم دیگری است و با این عالم جسمانی متفاوت می‌باشد،

و در نهایت جزئیاتش با این عالم جسمانی نیز متفاوت می‌باشد، و در مورد وابستگی های

فرزندى و پدرى و ارتباط اجتماعى در حال حاضر براى اين عالم از لازمه و ضروريات مى باشد.

خداوند به شما توفيق دهد، رجعت امتحانى ديگر براى كسانى كه ايمان خالص و كفر محض داشتند، مى باشد و اگر امتحان و آزمون نباشد رجعت معنائى نخواهد داشت، بلكه در اين امر حكمتى وجود نخواهد داشت اگر چه امتحان و آزمون نباشد، و در گذشته علل اينكه آن امتحانى ديگر است را بيان كردم، و در نهايت، عالم رجعت عالم ديگرى است كه خداوند بايد كسى كه وارد آن عالم مى شود را نسبت به حال سابقش دچار غفلت كند؛ تا همگان عادلانه وارد امتحان شوند و همان فرصت شكست و پيروزى به آنها داده شود.

پس اگر امر اينگونه باشد، در باره كدام نام ها سؤال مى كنى، خداوند تو را توفيق دهد! آنان اصلاً از حال سابق و از امتحان قبلى خود به كلى غافل مى شوند، همانگونه كه خداوند مردم را در اين عالم جسمانى، نسبت به حال سابق و امتحان قبلى خود، در عالم ذر دچار فراموشى كرده است:

﴿نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ * عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ وَنُنشِئْكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ * وَكَفَدَ عَلِمَتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ﴾، (ماييم كه ميآن شما مرگ را مقدر كرده ايم و بر ما سبقت نتوانيد جست * امثال شما را به جاي شما قرار دهيم و شما را آنچه نمى دانيد پديدار گردانيم * و قطعاً پديدار شدن نخستين خود را شناختيد پس چرا سر عبرت گرفتن نداريد). (۱۰۲)

به فرموده خداوند توجه كن: (شما را آنچه نمى دانيد پديدار گردانيم * و قطعاً پديدار شدن نخستين خود را شناختيد پس چرا سر عبرت گرفتن نداريد).

دقت كن كه خداوند مى فرمايد: (شما را آنچه نمى دانيد پديدار گردانيم) و اين امر در رجعت مى باشد، جائي كه، آن كس كه وارد آن عالم مى شود، مستلزم غفلت درباره حال گذشته خويش و ورود به عالم جديد مى باشد كه چيزى در مورد آن نمى داند، و اگر خواهان مثالى براى اين حال آينده مى باشيد، همانا در گذشته رخ داده است و آن عالم ذر مى باشد، و شما در آن بوديد و مى شناختيد و خداوند در آنجا شما را مورد امتحان قرار داد، اما اكنون بطور كامل

آن را فراموش کرده اید و به یاد نمی آورید، چرا؟! (و قطعاً پدیدار شدن نخستین خود را شناختید پس چرا سر عبرت گرفتن ندارید).

و پاسخ آن: زیرا خداوند شما را از به یاد آوردن غافل نمود آن هنگام که شما را در حجابهای جسمانی قرار داد، و در این امر همگان یکسان می باشند؛ زیرا خداوند عدالتگر است، و اگر امر برای همگان حتی خلفای الهی بر زمین یکسان نبود، پس فضل و برتری برای خلفای خدا در چیست که در امتحان پیروز شوند زیرا که خدا آنها را غفلت زده نکرد؟ آری، ممکن است انسان حال و وضع سابقش را به یاد آورد بعد از اینکه امتحان خود را بگذراند و خالص گردد و معرفت یابد، اما ممکن نیست بدون عمل و امتحان نسبت به حال سابقش شناخت حاصل کند، زیرا تعریف ابتدائی همان لغو امتحان است و این غیر عادلانه است زیرا که در آغاز بدون عمل نسبت به کس دیگر برتری داده شد، و این مخالف حکمت است، زیرا که او وارد امتحان شد پس چگونه امتحانش لغو می شود؟

بدان، خدا تو را به معرفت حق و ثبات بر آن همواره مؤید سازد که، هر عالمی دارای امتحان است و همه خلق به طور مساوی و بر اساس توانایی خود در گذراندن این امتحان وارد می شوند، تا عدالت الهی تحقق یابد. پس مثلاً همه خلق بر سرشت شناخت الهی آفریده شده اند و همه به حال گذشته خویش که به آن رسیده بودند دچار فراموشی شده اند و نیز نسبت به حالی که در این عالم به آن دست پیدا کردند بی اطلاع می باشند، پس هر کس مانند محمد و آل محمد رستگار شود برای او فضل است، و هر کس مانند یزید و معاویه و امثال آنان دچار خسارت شود، مستوجب عذاب می باشد، و اگر امر چنین نبود برای محمد فضیلتی نبود، و یزید (لع) مستوجب عذاب نمی شد؛ زیرا - به اختصار - امتحان غیر عادلانه بود).

و همچنین از ایشان علیهم السلام پرسیده شد: آیا امام از آل محمد فقط یک بار در عالم رجعت باز می گردد یا ممکن است بیش از یک بار رجعت کند همانگونه که در این عالم برای بعضی ائمه از آل محمد حاصل گشت؟

ایشان علیهم السلام پاسخ فرمودند: (امر از آن خداوند است).

سپس فیض بن ابی شیبه روایت می کند و می گوید: (شنیدم حضرت صادق علیه السلام در تلاوت این آیه فرمود: ﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ...﴾ سپس فرمود: تمام پیغمبران به رسول اکرم ایمان می آورند و علی علیه السلام را یاری می نمایند و بعد فرمود: آری، و خداوند از زمان آدم تا پیغمبر خاتم هر پیغمبری را که مبعوث گردانید دوباره به دنیا بر می گرداند، تا در رکاب امیر المؤمنین علیه السلام جهاد کنند). (۱۰۳)

و در این باره از سید احمد الحسن علیه السلام سؤال شد: آیا پیامبران با همان ترتیبی که در دنیا بودند، رجعت خواهند کرد؟ و منظور از پیکار آنان در رکاب امام علی علیه السلام چیست؟ مثلاً آیا همه آنان در یک مرحله هستند؟

ایشان علیه السلام فرمودند: (پیکار و مبارزه در رکاب علی علیه السلام، همان پیکار و مبارزه در رکاب حقی است که علی علیه السلام و فرزندان علی علیه السلام، ائمه معصومین که آنها نماینده حق و راه و روش آن هستند، می باشد، و در نهایت، مانعی وجود ندارد که انبیاء در دوران های مختلف رجعت حضور یابند، و نیز مانعی نیست که اگر بعضی از آنان در رکاب حجتی از حجت های آل محمد قرار گیرند).

و نیز از ایشان علیه السلام سؤال شد: آیا انصارِ خلفای خدا برای نصرت و یاری همان خلفایی باز می گردند که در این عالم یاریشان دادند؟ یا ممکن است خلیفه دیگری در رجعت را یاری دهند؟

ایشان علیه السلام فرمودند: (آن امتحانی دیگر است، و تنظیم و ترتیب افرادی که رجعت می کنند به دست خداوند بلند مرتبه می باشد، پس ممکن است فردی به همراه همان حجت باز گردد و ممکن است به همراه حجت دیگر باز گردد).

۱۵) و همچنان در مورد رجعت سؤالاتی باقی ماندند:

آنچه تقدیم شد پاسخ هایی از سید احمد الحسن علیه السلام به بسیاری از سؤالات عظیم در مورد رجعت بود، و کسی جز ایشان حقیقت این امر را نمی داند، بعد از اینکه جهل علماء در بیان

معنای رجعت جدا از جزئیات مرتبط با آن را دیدیم.

و با تأکید، پرسش‌های بسیاری باقی ماندند که پاسخ آنها نزد مؤمنان مبهم می‌باشند، همانگونه که سؤالاتی که در این مختصر عرضه شدند را کسی جز یمانی آل محمد نمی‌تواند پاسخ دهد، و همچنین سؤالاتی دیگر در باب رجعت و یا مسائل عظیم دیگر که عقول رجال در آنها متحیر گشته اند که ممکن است مطرح شوند، نیز کسی جز ایشان نمی‌تواند پاسخ دهد.

سپس به مردم می‌گویم: بعد از اینکه جزئی از علم سید احمد الحسن (علیه السلام) در امور عظیم، طبق فرموده آل محمد برایتان ثابت شد، و بی‌نیازی ایشان نسبت به آنچه که در دست‌هایتان و آنچه که علمایتان فهمیدند ثابت گشت، بلکه حاجت و نیاز علمایتان به ایشان آشکار گشت، پس آیا این دلیل کافی در تصدیق رسالت الهی ایشان که شما را به آن فرا می‌خواند، و شناختتان نسبت به ایشان به عنوان وصی پدرش امام مهدی و فرستاده اش به سوی مردم، و نیز قائم منتظر و یمانی موعود، نیست؟! تدبر کنید، خدا شما را هدایت کند.

والحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديین و سلم تسليماً

فهرست کتاب

- ۶..... نرمینه سازی
- ۸..... مرجعت چیست؟
- ۹..... علمای شیعه مرجعت را چگونه فهمیدند؟
- ۱۳..... آیا بین روایات مرجعت و روایات مهدین، تعارض وجود دارد؟
- ۱۵..... پرسش هایی در مورد مرجعت که قائم علیه السلام به آنها پاسخ دادند
- ۱۸..... (۱) مرجعت روزی از روزهای خداست
- ۲۰..... (۲) مرجعت، امتحانی دیگر
- ۲۰..... مرجعت عالمی است که دایره قوانین خاص خود می باشد
- ۲۳..... (۳) مرجعت، روزی که خداوند در آن، فرستادگانش را پیروز می گرداند
- ۲۶..... (۴) در مرجعت، معرفت عالی تحقق می یابد (هدف خلقت)
- ۲۸..... (۵) مرجعت در آسمان نخست می باشد
- ۳۲..... (۶) نرمینه که مرجعت بر آن تحقق می یابد
- ۳۳..... (۷) مرجعت یکی از عوامل قوس نزول است
- ۳۵..... (۸) مرجعت عالمی است که افراد در آن بانر می گردند
- ۳۶..... (۹) مرجعت عالمی است که در آن زمان وجود ندارد
- ۳۷..... (۱۰) اعتقاد به مرجعت و مهدین علیهم السلام
- ۳۹..... (۱۱) برای مرجعت روزی معلوم، مانند این عالم خواهد بود
- ۴۳..... (۱۲) مرجعت دو مرجعت است

- ۱۳) جنبه نرמین (دابة الأرض) در مرجعت و در این عالم ۴۶
- ۱۴) مرجعت خلفای الهی و شیعیانشان ۴۹
- ۱۵) و همچنان در مورد مرجعت سؤالاتی باقی ماندند ۵۳
- فهرست کتاب ۵۷